



دکتر جمشید ممتاز



نظام حقوقی منابع آب
آبراههای بین المللی خاورمیانه





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

● اشاره

آب گرچه مایهٔ حیات است ولی همواره منشأ اختلاف نیز بوده و هست. اگر اختلاف بر سر آب در دوران گذشته در جوامع کوچک روستایی یا شهری درمی‌گرفت، اکنون کمبود آن مانعی برای توسعهٔ پایدار^۱ و بهانه‌ای برای رودررو قرار گرفتن دولتها شده است.

در خاورمیانه که رودها جریانات کم آب و فصلی هستند و مقدار آنها بستگی به نزولات آسمانی دارد، کمبود آب یکی از علل بحران در حال و آینده است و وقوع جنگ برای رساندن آب به زمینهای تشنه چندان بعید به نظر نمی‌رسد^۲ و برخی دولتها به صراحت

۱. عبدین صالح و علی علی: «کمبود آب و توسعهٔ پایدار»، ترجمهٔ بهرام معلمی، فصلنامهٔ طبیعت و منابع (Nature and Resources)، سال اول، شمارهٔ ۳، ۱۳۷۲ (طبیعت و منابع توسعهٔ پایدار برای همه)، مرکز انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ص ۴۴.

۲. آب، گره کور بحرانهای آینده در خاورمیانه»، روزنامهٔ سلام، شمارهٔ ۸۶۶، ۷۲/۳/۳، ص ۸.

آب را در مقابل صلح قرار داده‌اند.^۳ دربارهٔ جنبه‌های علمی و فنی «بحران آب» و راههای مقابله با آن بسیار گفته و نوشته‌اند. تأثیرات اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی در دست داشتن منابع آب نیز در دههٔ اخیر توجه اندیشمندان را به خود جلب کرده است. اما در این میان به جنبه‌های حقوقی مسأله که اهمیت و کاربرد آن بر کسی پوشیده نیست، عنایت کمتری شده است و جای خالی تحقیقی جامع که بیان‌کنندهٔ اصول حقوقی بهره‌برداری از منابع آب مشترک این منطقه باشد به چشم می‌خورد.^۴

مقالهٔ حاضر در جهت رفع همین نقیصه و تبیین تعهدات بین‌المللی دولتها در این زمینه به نگارش درآمده و چون اصل مقاله به زبان فرانسه نوشته شده است^۵، به منظور استفادهٔ هرچه بیشتر، متن کامل آن زیر نظر مؤلف محترم توسط آقای «امیرحسین رنجبریان» به فارسی برگردانده شده است و هنگام ترجمه، برای تکمیل برخی مطالب و افزودنی فایدهٔ اصل مقاله، توضیحاتی در ذیل صفحات به آن

۳. ترکیه؛ تلاش برای گسترش نقش منطقه‌ای، روزنامهٔ همشهری، شماره ۴۰۶، ۷۲/۳/۳، ص ۹.
۴. کم‌توجهی به نظام حقوقی آبراههای آسیا و بخصوص خاورمیانه در قیاس با نظام حقوقی رودهای مغرب‌زمین که مطالعات زیادی دربارهٔ آن شده، سبب گردیده برخی این نظام را در حال گذران دوران کودکی بدانند که تا رسیدن به مرحلهٔ بلوغ سالها باید بگذرد (رک. ناصر فرشادگهر: نظام حقوقی رودهای بین‌المللی و اروندرود، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۷، ص ۱۵۷). البته نباید فراموش کرد که در این میان دربارهٔ اروندرود بحق تحقیقات زیادی انجام گرفته است.
۵. برای ملاحظهٔ متن اصلی مقاله رک:

Djamohid Morrtaz: «Le Régime Juridique des Ressources en EAU Des cours d'eau Internationaux du Moyen-Orient», *Annuaire Français de Droit International*, XXXIX-1993, pp. 874-897.

اضافه شده که با علامت ستاره (*) مشخص گردیده است. گفتنی است در مقاله دو واژه «آبراه» و «رود» در یک معنا به کار گرفته شده است، هرچند که به لحاظ مفهوم حقوقی آن^۶ از آبراه بیشتر استفاده شده است. همچنین در مواردی که آوردن تاریخ شمسی در کنار تاریخ میلادی مفید به نظر رسیده، به ذکر آن در داخل قلاب اقدام شده است. ضمناً پانوشتهای اصل مقاله، بجز در مواردی که ترجمه آنها لازم بوده، به طور کامل و با همان شماره، به زبان اصلی در زیر صفحات آمده است.



۶ تفاوت اصلی رود یا آبراه بین‌المللی با رودهای داخلی آن است که آنها از سرزمین بیش از یک دولت گذر می‌کنند و بر دو گونه‌اند: رودهای همجوار یا مرزی که قلمرو دو دولت را از هم جدا می‌کنند و رودهای پهباهی یا متوالی که از قلمرو چند دولت می‌گذرند.

«CF. N. Quoc Dinh, et P. Daillier, A. Pellet: «Droit international public», L. G. D. J., Paris, 3e édition, 1987, p. 1043.

کمیسیون حقوق بین‌الملل، آبراه بین‌المللی (International Watercourse) را آبراهی می‌داند که قسمتهایی از آن در قلمرو چند کشور واقع باشد.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

● مقدمه

آسیای جنوب غربی موسوم به خاورمیانه، منطقه‌ای است عموماً خشک و کم‌آب با کوههایی مرتفع که در محدودهٔ بین دریای اژه، بحرالمیت، درّهٔ سند، خلیج فارس و دریای مازندران واقع شده است. ناهمخوانی بین رشته کوههایی سر به فلک کشیده و طولانی با قلّه‌هایی همیشه پوشیده از یخ و برف و دشتهای پهناور و کم‌وبیش خشک داخل آن، وجه مشخصهٔ این اقلیم است. بالطبع میزان بارندگی بر جریانهای آب این منطقه تأثیر می‌گذارد*. این جریانها معمولاً سیلابهای تند و خروشان و فرساینده‌ای هستند که از کوهها

* عوامل گوناگونی در میزان بارندگی دخیل است و پراکندگی قاره‌ها، وضع ناهمواریها، وجود کوهها و حتی گردش زمین بر آن اثر می‌گذارد. بخار آبهای اقیانوس اطلس به سمت شرق می‌آید. به دلیل گرمی هوا ابرها به شمال آفریقا نمی‌روند و به سمت اروپا می‌آیند. از برخورد هوای سرد ارتفاعات مرکزی اروپا و هوای گرم ابری، قسمت اعظم بارانها در جنوب اروپا می‌ریزد. از غرب به شرق هرچه بیشتر برویم، کشورها باران کمتری دریافت می‌کنند. سرانجام، باقیماندهٔ این ابرها به ترکیه می‌رسند و اگر قدرت و فشاری داشته باشند، از کوههای ترکیه می‌گذرند و به کوههای غربی ایران می‌رسند (جواد صفی‌نژاد: مبانی جغرافیای انسانی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱، ص ۲۷۷).

البته باید توجه داشت که کرانه‌های دریای مازندران در این میان میزان بارندگی بالایی دارند.

سرازمی شوند و تغییرات ناگهانی و مهمی بر مقدار آب دارند: در بهار با ذوب شدن برفها آب فراوان است و در پایان تابستان اندک^۱ در منطقه‌ای چنین خشک که نبود آب مخلّ امر کشت و زرع است، منابع رودخانه‌ای در درجه اول اهمیت برای آبیاری اراضی قرار دارند^۲. لذا آن گونه که از معاهدات دوجانبه برمی آید، نظام حقوقی آبراههایی که از دامنه کوهها سرچشمه می‌گیرند و به‌طور معمول از سرزمین چند دولت گذر می‌کنند و بهره‌گیری از آنها در کشاورزی اهمیت اساسی دارد، به‌طور خاص ناظر به استفاده‌های کشاورزی و آبیاری است. فزونی جمعیت و پیشرفت فنون موجب گردیده تا استفاده آبیاری از آبراهها جنبه‌های جدیدی بیابد که همین امر منشأ منازعات شدیدی بین دولت‌ها بر سر تصاحب آب رودها شده است.



آبیاری، اصل اساسی معاهدات دوجانبه

اصلی‌ترین کارکرد اقتصادی آبراههای خاورمیانه در وهله نخست آبیاری و بعد از آن تولید نیروی برق است. بجز چند استثناء، معاهدات دوجانبه لازم‌الاجراء به گونه‌های دیگر استفاده از آبراهها نپرداخته‌اند. برخلاف اروپا و سایر مناطق معتدل که حقوق آبراهها اساساً مربوط به حق کشتیرانی است، در خاورمیانه فقط یک توافق در این خصوص وجود دارد و آن «موافقتنامه ایران و عراق درباره مقررات کشتیرانی در شط العرب (اروندروود)»^۳ است که در ۲۶ دسامبر ۱۹۷۵ [دی ماه ۱۳۵۴] در بغداد امضاء شده است. بر اساس این توافق، در تمام طول شط العرب (اروندروود) که از به هم

(1) Colbert C. REID - *Middle East Patterns* - Westview Press, 1989, pp. 41 et suiv. et *Encyclopedia Universalis*, vol. 2 1968, pp. 558-563.

(2) *Encyclopedia Universalis*, 1973, vol. 7, p. 46. Pour la superficie des terres irriguées et leur pourcentage par rapport aux terres cultivées, Cf. Organisation des Nations Unies pour l'Alimentation et l'Agriculture, *Annuaire*, vol. 44, collection statistique N° 99, 1990, p. 15.

(3) *Recueil des Traités des Nations Unies*, vol. 1017, p. 229.]

پیوستن دجله و فرات تشکیل یافته، حق آزادی کشتیرانی برای کشتیهای تجاری به رسمیت شناخته شده است. قبل از آنکه شط العرب خود را به آغوش خلیج فارس بسپارد، خط القعر آن به طول ۱۰۵ کیلومتر، مرز دو همسایه را مشخص می‌کند. طبق این توافق، کشتیرانی تجاری تحت هر پرچمی آزاد است و کشتیهای جنگی دولتهای دیگر طبق شروط خاص و با دعوتهای دولتهای ساحلی می‌توانند به بندرهای هر یک از دو دولت وارد شوند. ایجاد «دفتر مشترک هماهنگی» نیز پیش‌بینی شده است تا مسیر قابل کشتیرانی آبراه را تعیین کند و اقدامات لازم برای تضمین ایمنی دریانوردی را بعمل آورد.^۴

اما از دیگر استفاده‌های معمول از آبراهها، به‌ندرت در عهدنامه‌ها ذکری به میان آمده است. در مبادله‌نامه افغانستان و پاکستان به سال ۱۹۳۴، پیش‌بینی شده است که اهالی روستایی از پاکستان بتوانند از شعبه ارنوا خوار که افغانستان را از پاکستان جدا می‌کند، برای حمل چوب و الوار استفاده کنند.^۵

درخصوص صید نیز بجز دو سند که مقررات مختصری را به این موضوع اختصاص داده است، مورد دیگری به نظر نمی‌رسد: یکی «کنوانسیون اتحاد جماهیر شوروی [سابق] و ترکیه برای بهره‌برداری از آبهای مرزی» است که در ژانویه ۱۹۲۷ در کارس امضاء شده (ماده ۵)^۶ و مطابق آن طرفین مکلف به تضمین عبور آزاد ماهیان از میان تأسیسات احدائی روی آبراهها شده‌اند؛ دیگری معاهده مرزی اتحاد جماهیر شوروی [سابق] و افغانستان است که در ژانویه ۱۹۵۸ در مسکو به امضاء رسیده و طبق آن طرفین می‌توانند وفق مقررات جاری خود، تا محدوده خطوط علامتگذاری شده آبراه به صید بپردازند (ماده ۲۲).^۷ در عین حال، مطابق آن، صید شبانه و بکارگیری مواد منفجره، سمی و روانگردان در امر صید ممنوع شده است. بجز این استثنائات*، معاهدات دیگر

(4) Cf. notre précédente étude «Le statut juridique du Chatt-El-Arab dans sa perspective historique», in *Actualités juridiques et politiques en Asie*. A. Pédone, 1988, pp. 59 et suiv.

(5) Echange de notes entre le Gouvernement de l'Afghanistan d'une part et le Gouvernement de Sa Majesté dans le Royaume Uni et le Gouvernement de l'Inde d'autre part, relatif à la frontière entre l'Afghanistan et l'Inde aux environs d'Arnawai et de Dokalim. Kaboul, le 3 février 1934. Texte in *Série Législative des Nations Unies*. Textes législatifs et dispositions de Traités concernant l'utilisation des fleuves internationaux à des fins autres que la navigation. ST/LEG/SER.B/12 1963, Traité N° 84.

(6) *Série Législative des Nations Unies*, op. cit. Traité N° 106.

(7) *Série Législative des Nations Unies*, op. cit. Traité N° 86.

* علاوه بر موارد یاد شده، طبق ماده هشتم قرارداد ایران و شوروی راجع به انتظامات مرزی ایران و شوروی و ←

اصولاً ناظر بر همکاری کشورهای ساحلی برای دو منظور است: اول تقسیم آب جهت کشاورزی، و دوم احداث تأسیسات.

اول. تقسیم آبراه

در چنین منطقه‌ای خشک و کم‌آب، و با توجه به اینکه کشاورزی نیاز به آبی فراوان دارد، قواعدی دقیق برای استفاده از آبراهها تدوین شده است. البته روزگاری بود که این امر بدور از عدالت و فقط به سود یک طرف انجام می‌شد. نمونه آن، اسناد تعیین حدود انگلستان و روسیه در سالهای ۱۸۸۵ - ۱۸۸۸ است که دولت پایین دست یعنی افغانستان را از آب کوشک در شمال چهل دختر محروم می‌کرد، تا آنکه اتحاد جماهیر شوروی [سابق] این ممنوعیت را به‌طور یکجانبه طی یادداشت منضم به توافق مورخ ۱۳ ژوئن ۱۹۴۶ در مسکو ملغی کرد.^۸

در همان اوان به سال ۱۸۸۱ روسیه محدودیت جابرانه‌ای را در استفاده از نهر فیروز که سرچشمه آن در ایران بود، بر دولت ایران تحمیل کرد و ایران از استقرار خانوارهای جدید و افزایش سطح زیر کشت در اطراف آن ممنوع شد.^۹ در سال ۱۸۹۵ نیز روسیه کل این ناحیه را به خاک خود ملحق ساخت.^{۱۰}*

→ ترتیب تصفیه اختلافات و حوادث در مرز، وسایل شناور (قایق، بلم و...) متعلق به طرفین می‌توانند روی رودخانه سرحدی بدون مانع تا خط مرز رفت و آمد کنند. این رفت و آمد فقط در اوقات روشن شبانه‌روز باید انجام شود. مطابق بند ۳ همین ماده اهالی مناطق و اتباع طرفین حق دارند در آبهای سرحدی تا حدود خط مرز ماهیگیری نمایند. ماده ۱۲ این قرارداد حق آب دادن به احشام را نیز پیش‌بینی کرده است. این قرارداد در ۱۳۲۶ (۱۹۵۷) در مسکو منعقد شده است.

(8) Accord entre l'Afghanistan et l'U.R.S.S. relatif à des questions de frontière. *Recueil des Traités, Nations Unies*, vol. 31, p. 165

(9) *British and Foreign States Papers*, vol. LXXIII, p. 99

(10) *British and Foreign States Papers*, vol. LXXXVI, p. 1246

* دولت روسیه متعهد شده بود بر اساس فصل سوم عهدنامه دوستی ایران و جمهوری اشتراکی روسیه، به واسطه عدم تمایل به استفاده از ثمره سیاست غاصبانه دولت تزاری سابق روسیه، قریه فیروزه را با اراضی مجاور آن که مطابق قرارداد ۱۸۹۲ از طرف ایران به روسیه منتقل شده بود، به ایران مسترد دارد. ولی چنین نشد و پس از مذاکره و واگذاری قسمتهایی از نواحی مرزی به ایران، طبق ماده اول موافقتنامه اتحاد جماهیر شوروی سابق و ایران راجع به حل مسائل مالی و مرزی به سال ۱۳۳۳ (۱۹۵۴ میلادی)، این قریه و زمینهای اطراف آن همچنان در قلمرو اتحاد جماهیر شوروی باقی ماند.

اما صرف نظر از بکارگیری سیاست زور که از آن زمان به بعد تغییر یافت، در تمام موارد بر سر معیارهای تقسیم آب، مذاکرات فشرده و اغلب مشکلی بین طرفهای ذی‌نفع درگرفت. در مورد آبراههای مجاور که دسترسی آزاد طرفین به آب از جانب سرزمین خودشان تضمین مناسبی برای توازن و تساوی آنها بود، مسأله عموماً با حساسیت کمتری مطرح می‌شد، ولی در مورد آبراههای متوالی، وابستگی کشور پایین دست و خطر استفاده بیش از حد کشور بالادست از آب اقتضا می‌کرد که، با توجه به خصوصیات هر مورد، مقررات جامع‌تری در نظر گرفته شود. در بسیاری موارد اهمیت منافع و تمایل به دوری جستن از درگیریهای احتمالی، طرفین را وادار به تفاهم درباره شیوه سهمیه‌بندی آب کرده است.

۱. معیارهای تقسیم

باید توجه داشت که نیاز به مشروب ساختن دشتها از آبراهها تنها عامل برای انتخاب معیار تقسیم آب نبوده است، بلکه در اغلب موارد برتری عملی یکی از طرفین یا دخیل بودن قدرتهای بزرگ در حلّ تعارضات تعیین‌کننده نتیجه بوده است.

الف. تقسیم مساوی:

به‌طور کلی، آبراههای مجاور به‌طور مساوی بین کشورهای همجوار تقسیم شده‌اند. ماده ۱ پروتکل ضمیمه کنوانسیون اتحاد جماهیر شوروی [سابق] و ترکیه مورخ ۸ ژانویه ۱۹۲۷، رود ارس را که بیش از ۱۰۰ کیلومتر مرز ترکیه و ارمنستان را تشکیل می‌دهد، به همین شکل تقسیم کرده است.^{۱۱} عهدنامه دوستی مورخ ۲۱ فوریه ۱۹۲۱ [اسفند ۱۲۹۹] ایران و جمهوری اتحادی اشتراکی روسیه همین شیوه را برای ادامه این آبراه برگزیده که به طول

(11) Protocole annexé à la Convention entre l'U.R.S.S. et la Turquie pour la jouissance des eaux limitrophes. Pour un résumé de ce Protocole, Cf. « Problèmes juridiques posés par l'exploitation et l'utilisation des fleuves internationaux », Rapport du Secrétaire Général, D.O. N.O. A/5409, 15 avril 1963, vol. I, p. 193

۳۵۰ کیلومتر ایران را از ارمنستان و آذربایجان جدا می‌کند.^{۱۲*} مقدمه موافقتنامه مورخ ۱۱ اوت ۱۹۵۷ [۲۰ مرداد ۱۳۳۶] ایران و شوروی [سابق] مربوط به رودهای مرزی [ارس و اترک] نیز بر آن مهر تأیید زده است.^{۱۳} این دو سند، اصل برابری حقوق طرفین را به دو آبراه مرزی دیگر یعنی اترک و سمبار نیز تسری داده است که هر یک به ترتیب ۱۰۰ و ۳۰ کیلومتر مرز بین ایران و ترکمنستان را تشکیل می‌دهند.

کنوانسیون ۲۰ فوریه ۱۹۲۶ (اسفند ۱۳۰۴) عشق‌آباد بین اتحاد جماهیر شوروی [سابق] و ایران^{**}، اصل تقسیم مساوی آب را به طور استثناء برای شش آبراه متوالی کوچک پذیرفته است که از ایران سرچشمه می‌گیرند و به بیابانهای ترکمنستان می‌ریزند.^{۱۴} نام این شش آبراه بدین قرار است: کلات چای، آرچینیان (ارچنگان)، مهنه، چاندر، چهجه و لائین سو.

به همین منوال، آب چهار آبراه کوچک به نامهای بناوا، سوته، کنگیرو قورتو که از کوههای زاگرس در ایران سرچشمه می‌گیرند و به سوی دجله رهسپار می‌شوند، بر اساس موافقتنامه ۲۶ دسامبر ۱۹۷۵ [دی ماه ۱۳۵۴] بغداد بین ایران و عراق به صورت مساوی تقسیم شده است.^{۱۵}

(12) *Traité d'Amitié entre la Perse et la République Socialiste fédérative des Soviets de Russie*, *Recueil des Traités de la Société des Nations*, vol. IX, pp. 400 et suiv.

* به رغم آنکه موافقتنامه‌های موجود درباره بهره‌برداری از رود ارس به حق مساوی طرفین در استفاده از منابع آب تصریح کرده‌اند، ولی در عمل اجرای این حق برای ایران خالی از اشکال نبوده است. در این مورد، طرف ایرانی در سالهای پیش از فروپاشی شوروی برای استفاده مساوی از آب ارس از آن دولت خواسته بود تا دستگاههای اندازه‌گیری که به شکل برجکهای متحرک است بر روی تأسیسات رود نصب شود، اما طرف شوروی با وجود اینکه ظاهراً با این درخواست موافقت کرد، در نهایت اداره مرزبانی اجازه بازدید از تأسیسات و نصب دستگاههای مربوط را نداد (رک. اتحاد جماهیر شوروی، از سری انتشارات بررسی مسائل کشورها، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، شماره ۱۲، ۱۳۷۱، ص ۸۳۰).

(13) Pour la traduction anglaise de ce Traité, Cf. *The Middle East Journal*, vol. XIII, 1959, pp. 193 et suiv.

** نام دقیق این توافقنامه عبارت است از: قرارداد مابین ایران و اتحاد جماهیر شوروی راجع به استفاده از رودخانه و آبهای سرحدی واقع در امتداد سرحد، از رودخانه هریرود تا بحر خزر.

(14) *Convention entre la Perse et l'U.R.S.S. relative à l'utilisation commune des eaux et fleuves limitrophes. Pour un résumé de cette Convention*, Cf. « *Problèmes juridiques posés par l'exploitation et l'utilisation des fleuves internationaux* », *op. cit.*, p. 194.

(15) *Recueil des Traités des Nations Unies*, vol. 1017, p. 255.

ب. تقسیم کفی:

به طور کلی، این شیوه برای تقسیم آبراههای متوالی مورد استفاده قرار گرفته، ولی استثنائاً در مورد دو رود مرزی نیز از همین شیوه پیروی شده است: تجن (هریرود) که به طول بیش از ۱۰۰ کیلومتر ترکمنستان را از ایران جدا می‌کند، و هیرمند که ۱۷ کیلومتر از آن مرز ایران و افغانستان است.

— تجن: مطابق ماده ۱ کنوانسیون عشق‌آباد، آب تجن به ده قسمت مساوی تقسیم شده که سه قسمت از آن ایران و بقیه از آن اتحاد جماهیر شوروی [سابق] است.* به طور قطع، این گونه تقسیم نشانه بارزی از سیاست توسعه ارضی بوده که پیش از این اتحاد شوروی اعمال می‌کرده است.

— هیرمند: هیرمند طولانی‌ترین رود افغانستان است که از کوههای مرتفع نزدیک کابل سرچشمه می‌گیرد و به سوی دشتهای پهناور سیستان جاری می‌گردد. شاخه‌هایی از شعبه شرقی آن موسوم به رود پریان که در کوهک، ایران را از افغانستان جدا می‌کند، پیش از آنکه به سرانجام خود برسد و به بیابانهای دو کشور فرو بریزد، دوباره به قلمرو افغانستان بازمی‌گردد.**

پس از آنکه انگلستان معاهده ۱۸۳۷ [۱۲۱۶] پاریس را به ایران تحمیل کرد و این دولت ناگزیر از استقلال افغانستان شد، مسأله تقسیم آب هیرمند،

* دولتهای ایران و شوروی پس از امضای موافقتنامه راجع به استفاده مساوی مشترک از قسمتهای مرزی رودخانه‌های ارس و اترک برای آبیاری و تولید نیروی برق به تاریخ ۲۰ مرداد ۱۳۳۶، متممی را نیز در اسفند همان سال درباره رود تجن به امضاء رساندند. مطابق ماده اول این متمم: «از آنجا که با رژیم فعلی رودخانه هریرود (تجن) در فصل آبیاری احتیاجات طرفین تأمین نمی‌شود و از آنجا که مقدار معنایی از آب رودخانه در مواقع طغیان و سیل به هدر می‌رود، طرفین بر طبق قرارداد اول اسفند ۱۳۰۴ (۲۰ فوریه ۱۹۲۶) موافقت نمودند آبی را که به هدر می‌رود به وسیله ساختمان سد مخزنی مشترک روی قطعه مرزی رودخانه مورد استفاده قرار دهند و آن را بین خود به دو قسمت مساوی تقسیم نمایند (مجموعه معاهدات دو جانبه معتبر دولت ایران تا سال ۱۳۴۹، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۴۹، ج ۱، ص ۱۳۴).

** مسیر آب هیرمند پس از به هم پیوستن «ارغنداب» و «کجکی» در محل «قلعه‌بست» تا «بند کمال‌خان» به سمت جنوب غربی است ولی از آنجا راه شمال را در پیش می‌گیرد و در «کوهک» مرز ایران و افغانستان را تشکیل می‌دهد. در همان جا این رود به دو شاخه تقسیم می‌شود: «سیستان رود» که به ایران می‌آید و «پریان» که مرز دو همسایه را می‌پیماید.

روابط دو دولت را تیره کرد و بر اساس ماده ۶ معاهده، ایران دوبار ناچار به قبول داوری انگلستان در این قضیه شد^{۱۶}.

با رأی مورخ ۱۹ اوت ۱۸۷۲ [۲۸ مرداد ۱۲۵۱] سِر فردریک گلداسمید (Sir F. Goldsmid) مرز دو دولت به نحو روشن تری تعیین شد، هرچند که به علامتگذاری نینجامید. داور در زمانی چنان مفتتم، نظر داد که دو سوی هیرمند در بالادست کوهک متعلق به افغانستان باشد و بستر اصلی هیرمند در پایین دست کوهک به عنوان مرز شرقی سیستان ایران تعیین شود. در عین حال، داور یاد شده افغانستان را از ایجاد تأسیساتی که سبب کاهش آب مورد نیاز اراضی ایران شود، ممنوع کرد. در ۱۸۹۶ [۱۲۷۵]، در پی ریزش بارانهای سیل آسا، بستر هیرمند تغییر یافت. در نتیجه، تأسیسات و آبراه‌های آبیاری در چندین جای آن بدون استفاده و متروک شد و افغانستان دست به ایجاد شبکه‌های جدید آبیاری زد. این اقدام با اعتراض ایران روبرو شد که مستند به ممنوعیت افغانستان در رأی داوری گلداسمید بود.

با احاله دوباره موضوع به داوری، سرهنگ ای. اچ. مک ماهون (A. H. Mac Mahon)* در رأی مورخ ۱۰ آوریل ۱۹۰۵ [۲۱ فروردین ۱۲۸۴]، با ملاحظه اوضاع و احوال جغرافیایی و خصوصیات آبرسانی این آبراه، افغانستان را مجاز به ایجاد تأسیسات جدید دانست. اما این جواز محدود به آن شده بود که یک سوم آبدهی** آبراه به ایران اختصاص یابد. این مقدار که در بند کمال‌خان اندازه‌گیری می‌شد، حدود ۵۴ متر مکعب در ثانیه بود^{۱۷}.

ایران با این استدلال که تقسیم آب به داوری ارجاع نشده و موضوع خارج از صلاحیت داور بوده است، رأی را مردود دانست و از آن پس تا سالیانی

(16) F. RIAZI « L'administration internationale et l'organisation des bassins fluviaux en Asie », thèse 3^e cycle, Université de Paris, 1972, p. 247.

* مفاد حکمیت کلنل مک‌ماهون در جلد دوم کتاب جغرافیای مفضل ایران نوشته دکتر ربیع بدیمی صفحات ۳۳ به بعد آمده است.

** آبدهی یا دبی (débit) مقدار آبی است که در یک ثانیه از مقطع مشخص عبور نماید (مرتضی سرمد: حقوق آب، ج ۲، ص ۱۷۶).

(۱۷) برای مطالعه متن آراء داوری در قضیه دلتای هیرمند رک:

Annuaire de la C.D.I., 1974, vol. II, 2^e Partie, pp. 201 et suiv.

مدید، اختلاف بین دو دولت ادامه یافت*.

با خشکسالی بی سابقه در ۱۹۷۴ [۱۳۲۶] کار بالا گرفت تا آنکه با مساعی جمیله ایالات متحده، سه سال بعد هیأت فنی بیطرفی مرکب از سه کارشناس منتخب طرفین تشکیل شد^{۱۸}. هیأت در ۲۸ فوریه ۱۹۵۱ [۲] اسفند ۱۳۲۹ گزارش خود دال بر پیشنهاد ۲۲ متر مکعب آب در هر ثانیه برای ایران را ارائه کرد^{۱۹}. این مقدار بسیار کمتر از آن چیزی بود که مک ماهون در رأی خود تعیین کرده و مخالفت ایران را برانگیخته بود.

سرانجام، در ۱۳ مارس ۱۹۷۳ [اسفند ۱۳۵۱] معاهده تقسیم آب هیرمند، بر اساس توصیه‌های همان هیأت، در کابل به امضاء رسید^{۲۰}. مطابق ماده ۲ معاهده که اشارتی صریح به گزارش هیأت مزبور دارد، افغانستان متعهد به تحویل ۲۲ متر مکعب آب در ثانیه به طور متوسط در سال نرمال آب** است. همچنین افغانستان برای اثبات حسن نیت و تحکیم روابط برادرانه با ایران، خود را ملزم کرد که ۴ متر مکعب دیگر علاوه بر مقدار مذکور به ایران بدهد. طرفین که از نوسانات شدید آبدهی و سطح آب آگاه بودند، به بیان جزئیات شیوه تقسیم آب نیز پرداخته‌اند. طبق جدول ماده ۳ معاهده، حجم آب قابل تحویل به ایران

* در تاریخ ۶ بهمن ۱۳۱۷ موافقتنامه‌ای برای تقسیم آب هیرمند بین ایران و افغانستان در کابل به امضاء رسید. مطابق ماده اول این موافقتنامه دولتین ایران و افغانستان موافقت نمودند که همه ساله هر مقدار آب رودخانه هیرمند که به بند کمال خان می‌رسد، بعد از این بند بالمنصفه تقسیم شود. در اعلامیه مشترک پیوست به موافقتنامه نیز دولت ایران اعلام کرده که یگانه منظور از این موافقتنامه زراعت و آبیاری سیستان است و وسیله و بهانه‌ای برای مداخله در افغانستان نیست. افغانستان نیز متقابلاً اعلام داشته است که مقصودی در تضییق و فشار و نرسیدن آب به سیستان ندارد و به این منظور اقداماتی را که موجب نکت آب سهمی ایران و ضرر رساندن به زراعت سیستان شود اجازه نخواهد داد (اسناد معاهدات دوجانبه ایران با سایر دول، واحد نشر اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰، ج ۳، ص ۴۴).

(18) - Terms of Reference of the Helmand River Delta Commission and Interpretation Statement Relative thereto, Agreed by Conferences of Afghanistan and Iran on September 7, 1950 - Texte in *Série Législative des Nations Unies, op. cit.*, p. 270.

(19) *Série Législative, op. cit.*, Traité N° 82.

«The Iranian - Afghan Helmand (Hirmand) River Water Treaty» (۲۰)

اسناد تصویب این معاهده در ۵ ژوئن ۱۹۷۷ در تهران مبادله شده است. متن این معاهده تاکنون در دبیرخانه ملل متحد به ثبت نرسیده است.

** منظور از یک سال نرمال آب، مطابق بند ج ماده اول معاهده ایران و افغانستان راجع به آب هیرمند، عبارت از سالی است که مجموع جریان آب از اول اکتبر (۹ مهر) تا پایان سپتامبر (۸ مهر) سال بعد در موضع دستگاه آبشناسی دهرآود بر رود هیرمند بالاتر از مدخل بند کجکی ۵,۶۶۱,۷۱۵ میلیون مترمکعب اندازه‌گیری و محاسبه شده باشد.

در همه ماهها یکسان نیست. این مقدار در ماههای بهمن و اسفند (فوریه) به حد اکثر ۱۲/۶۶ مترمکعب در هر ثانیه می‌رسد و در شهریورماه حداقل ۱/۹۸ است که زمان کمترین مقدار آبدهی است و این چیزی جز تضمین حداقل میزان اختصاصی نیست. در مواقع «خشکسالیهای مدهش و یا بروز حالات مجبره» (فورس ماژور) که به طور موقت تحویل آب ناممکن باشد، طرفین باید بی‌درنگ به مذاکره بپردازند و طرحی اضطراری تهیه کنند*.

ج. تقسیم سرزمینی:

در اینجا بهتر است بین دو مورد قائل به تفکیک شویم: مورد اول جایی است که کشور بالادست استفاده انحصاری از آبراه می‌کند و دیگری هنگامی که تأمین نیازهای کشور مزبور در اولویت قرار می‌گیرد، که اغلب نیز اینچنین است. درونگر و کلته - چنار، که از ایران به سوی ترکمنستان جریان دارند، از قسم نخست به حساب می‌آیند. طبق مواد ۱۱ و ۱۲ کنوانسیون عشق‌آباد همه آب آن دو متعلق به ایران است. ماده ۳ معاهده تقسیم آب سند که در ۱۹ سپتامبر ۱۹۶۰ بین هند و پاکستان در کراچی به امضاء رسیده، نمونه دیگری از همین نوع است^{۲۱}. بر آن اساس، بهره‌گیری از جریانات غربی سند خاص پاکستان و استفاده از آب شاخه‌هایی که از شرق به سند می‌پیوندند، در اختیار هند قرار

* هیرمند که از دیرباز نامی آشنا برای ایرانیان بوده است، از ارتفاعات بابا در غرب کابل سرچشمه می‌گیرد و پهنای آن در نقاط مختلف بین ۲۰۰ تا ۹۰۰ متر و در قسمت علیا بسیار پرآب است. از رود هیرمند رشته‌های متعددی جدا می‌شود و شاخه‌های متعددی به آن می‌پیوندند (عبدالحسین سعیدیان: دائرةالمعارف سرزمین و مردم ایران، ص ۹۶۵). لغت‌نامه دهخدا از هیرمند به عنوان رودی عظیم در سیستان نام می‌برد که «هزار نهر در آن داخل شود و هزار نهر از آن خارج گردد» (ج ۵۱، ص ۳۵۸). به همین دلیل دلتای هیرمند را زمانی مصر ایران می‌گفتند. آب حیات‌بخش هیرمند در گذشته دریاچه آب شیرین بزرگی به وسعت ۴۰۰۰ کیلومتر به نام هامون پدید می‌آورد که مایه شکوفایی کشاورزی و دامپروری بود. ولی دخالت‌های روزافزون در بخش بالای این رود عظیم کار را به جایی رسانده که گاهی حتی نیاز ساکنان دلتا را به آب آشامیدنی تأمین نمی‌کند و تنها در سالهای پرباران استثنایی است که مازاد آب هیرمند به دریاچه هامون می‌رسد (محمدحسن گنجی: «آب»، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۷). بر اثر همین خشکسالیهای متوالی، کف دریاچه هامون بکلی خشک شده است (ربیع بدیمی: جغرافیای مفصل ایران، انتشارات اقبال، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۸۱).

(21) *Recueil des Traités des Nations Unies*, vol. 419, p. 317.

گرفته است. از آنجا که این معاهده ذکری از مقدار آب تقسیمی نکرده و به بیان برخی ترتیبات مساعد به حال طرف دیگر حذف بسنده کرده است^{۲۲}، چنین گفته می‌شود که این آبراهها بر اساس سرزمین تقسیم شده‌اند^{۲۳}.

مواردی که بدون محرومیت کشور پایین دست، کشور بالادست در اولویت قرار می‌گیرد، به نسبت قسم نخست فراوان تر است. بر اساس صورتجلسه هیأت تحدید حدود ایران و عثمانی در سال ۱۹۱۴ [۱۲۹۳] ۲۴ مازاد آبهای الوند، گنجان چم، دویرج و میمه که سرشاخه‌های این سوی دجله هستند و کشور بالادست [ایران] از آنها استفاده نمی‌کند، به سمت پایین دست و روستاهای سرزمین عثمانی سرازیر می‌شود. بند ب ماده ۲ «موافقتنامه ایران و عراق راجع به استفاده از رودخانه‌های مرزی» هم این ترتیب را تأیید کرده است. ماده ۱۳ کنوانسیون عشق آباد وضع مشابهی برای آب رود فیروزه برقرار ساخته است و بر این اساس هرگاه حوایج اهالی روستاهای ایرانی در علیای رود برآورده شده باشد، روستاهای ترکمنستان در پایین دست حق استفاده از آن را خواهند داشت.

مورد یرموک نیز قابل ذکر است که مهمترین جریان آب در اردن است و به طول پانزده کیلومتر مرز اردن و سوریه را تشکیل می‌دهد. آب یرموک مطابق ماده ۸ موافقتنامه دو دولت در ژوئن ۱۹۵۳^{۲۵} [خرداد ۱۳۳۲] بر اساس اصول جغرافیایی کاملاً مشخص تقسیم شده است. سوریه حق استفاده از آبهای حوضه واقع در سرزمین خود را، آنگاه که سد المکارن به اتمام برسد، محفوظ داشته است. همچنین سوریه حق دارد از رود و شاخه‌های پایین دست سد برای اراضی واقع در حوضه فرودست رود و اراضی غرب دریاچه طبریه استفاده کشاورزی بعمل آورد. اردن نیز در جای خویش حق بهره‌گیری از آبهای ذخیره مشترک و مرکزی المکارن در سرزمین خود را که مازاد بر نیاز سوریه باشد، خواهد داشت.

(22) G. FISHER - La Banque internationale pour la reconstruction et le développement et l'utilisation des eaux de l'Indus. A.F.D.I. vol. 1960, p. 673.

(23) M. WOLFROM - L'utilisation à des fins autres que la navigation des eaux des fleuves, lacs et canaux internationaux, Pédone 1964, p. 106.

(24) Les procès-verbaux de cette Commission n'ont pas été publiés. Sur cette question, Cf. Journal Officiel de la Société des Nations, XVI, N° 2, février 1935, p. 207.

(25) Recueil des Traités des Nations Unies, vol. 184, p. 25.

در این خصوص سوریه و اردن متعهد شده‌اند از سهم آب خود، که به ترتیب مذکور از یرموک دارند، به طرف ثالثی ندهند. آشکار است که منظور از این تعهد، محروم ساختن کشور پایین دست یعنی اسرائیل از بخش اعظم آب یرموک است.^{۲۶}

۲. چگونگی نظارت بر تقسیم

به طور کلی، هرگاه طرفین شیوه تقسیم آب را مشخص می‌کنند، نظارت بر تحویل و توزیع آن را به دست هیأت‌های مشترکی از کارشناسان می‌سپارند. در همان حال، برای پرهیز از بروز هرگونه اختلاف، در برخی موارد ضروری است که ایستگاه‌هایی هم برای اندازه‌گیری آب ایجاد شود.

الف. هیأت‌های مشترک:

ارکان مأمور به نظارت بر جریان آب و تقسیم آن، شکل و ساختار یکنواختی ندارند. در مواردی که معاهدات دوجانبه روش تقسیم را مشخص کرده‌اند، مشکل خاصی وجود نداشته است و طرفین به‌سادگی با این مسأله کنار آمده‌اند. کنوانسیون عشق‌آباد که چهارده آبراه مرزی یا متوالی را دربرمی‌گیرد، نمونه‌ای از انتخاب روشی نه چندان پیچیده است. این کنوانسیون اندازه‌گیری آب را در تمام موارد به‌طور مشترک و بنا به تقاضای یکی از طرفین، به عهده کارشناسان آنها گذارده است. در اجرای کنوانسیون کارس نیز هیأت مشترک فقط سالی دوبار تشکیل می‌شود تا آبدهی جریانها را مشخص کند. در عین حال، در صورت کاهش سطح آب، هریک از طرفین می‌تواند جلسه‌ای فوق‌العاده برای بررسی موضوع تقاضا کند و طرف دیگر موظف است تا پانزده روز پس از این درخواست، کارشناس خود را برای بررسی لازم‌گسیل دارد. در صورت غیبت یک طرف، طرف دیگر می‌تواند با در نظر داشتن اوضاع و احوال موجود، میزان آبدهی را به‌طور یکجانبه تعیین کند. همچنین هیأت مزبور

(26) Abraham M. Hussen - Utilization of International Rivers in the Middle East - *American Journal of International Law*, vol. 50, 1956, pp. 95-96

می‌تواند به طور مستقیم وظایف مرتبط با مسأله توزیع آب را هم برعهده بگیرد، بدین معنا که بر ایجاد آبراههایی برای امور کشاورزی و تجهیزات تلمبه‌زنی در کناره‌ها نظارت نماید.

در مقابل، چنانچه منافع مهمی در میان باشد، معاهدات دوجانبه تأسیس نهادهایی دائمی را در نظر می‌گیرند که اختیارات زیادی دارند و کارشناسان برجسته در آن انجام وظیفه کنند. «کمیته مشترک کمیسرها» که در اجرای معاهده ۱۹۷۳ [۱۳۵۱] برای تقسیم آب هیرمند تشکیل شده، نمونه بارزی از این‌گونه موارد است. ماده ۷ پروتکل شماره یک منضم به این معاهده^{۳۷} اختیارات دو کمیسر منتخب طرفین را مشخص می‌کند. آنان مأمور اجرای مقررات معاهده راجع به تقسیم آب هستند و باید به اشتراک آب را اندازه بگیرند و در نقاط پیش‌بینی شده به ایران تحویل دهند. این نقاط یکی در موضعی است که خط سرحد رود [سیستان] را قطع می‌کند و دیگری در موضع واقع بین میله‌های مرزی ۵۱ و ۵۲ واقع شده که قرار بوده در خلال مدت سه ماه پس از لازم‌الاجراء شدن معاهده، کمیسرهای طرفین آن را تعیین کنند (ماده ۳ معاهده) اما تاکنون اقدامی در این باره صورت نگرفته است. در زمان خشکسالی، کمیسر افغان موظف است اطلاعاتی را که کمیسر ایرانی راجع به میزان آب طلب می‌کند به آگاهی او برساند. همچنین کمیسر ایرانی اختیار خاصی برای بازرسی دارد و می‌تواند شخصاً به واریسی و اندازه‌گیری آبدهی در ایستگاه اندازه‌گیری دهرآود در خاک افغانستان بپردازد (ماده ۵ پروتکل). بدین ترتیب، هرگونه سوء تفاهم درباره میزان آب موجود که در گذشته منشأ اختلافات متعددی بوده است، برطرف می‌شود. بعلاوه، برای مقابله و حل مشکلاتی از این دست، ماده ۱۰ پروتکل، تشکیل «کمیته وزیران» مرکب از نمایندگان دو طرف و تحت ریاست وزیران دو دولت را مقرر کرده است که امور بهره‌برداری آب در حیطة صلاحیت آنها قرار دارد. این مرجع بلندپایه به درخواست هریک از دو طرف تشکیل جلسه می‌دهد و صلاحیت حل و فصل هرگونه اختلاف ناشی از اجرای معاهده

• Protocol Relating to the Authority and Duties of the Commissioners • (27)

را دارد و تصمیماتش برای «کمیته مشترک» لازم‌الاتباع است.* بر اثر جنگ داخلی افغانستان اجرای معاهده و پروتکل آن به تأخیر افتاده است.** نمونه قابل ذکر دیگر از دسته دوم، «کمیسیون فنی مشترک دائمی» است که بنابر «موافقتنامه سال ۱۹۷۵ (۱۳۵۴) ایران و عراق راجع به استفاده از رودخانه‌های مرزی» از کارشناسان دو دولت به تعداد مساوی تشکیل می‌شود و از جمله وظایف آن تشخیص مقدار نیاز نواحی اطراف رودهای الوند، گنجان‌چم، زاب (میمه) و دویرج در خاک ایران و تعیین سهم هر یک از طرفین از آب آنهاست (مواد ۳ و ۴). جنگ ایران و عراق تشکیل این کمیسیون را که پیش از آن نیز پای به عرصه وجود نگذارده بود، به تعویق انداخته است.

* معاهده ایران و افغانستان راجع به آب هیرمند پروتکل دیگری نیز درباره حکمیت و حل اختلافات دارد که جزء لاینجزای آن خوانده شده است. مطابق ماده دوم پروتکل، در صورت بروز اختلاف در تعبیر یا تطبیق مواد معاهده، چنانچه موضوع از طریق مذاکرات دیپلماتیک یا مساعی جمیله طرف ثالث حل نگردد، هر یک از طرفین که ارجاع اختلاف را به حکمیت لازم ببیند می‌تواند درخواست تشکیل هیأت حکمیت را به اطلاع طرف دیگر برساند. چنانچه با مذاکرات طرفین این هیأت بوجود آید و دو دولت به توصیه‌های آن عمل کنند، موضوع حل شده قلمداد می‌شود. ولی، در غیر این صورت، اختلاف به دیوان حکمیتی مرکب از دو حکم از اتباع دو دولت و یک رئیس دیوان به انتخاب دو حکم، و در صورت عدم توافق آن دو به انتخاب دبیرکل سازمان ملل متحد، تشکیل خواهد شد. طبق بند د ماده پنجم پروتکل رای دیوان قطعی و لازم‌الاجراء است.

** گفتنی است از سال ۱۳۵۲ به بعد اختلاف عقیده شدیدی درباره آب هیرمند بروز نکرده است و سابقه‌ای دال بر کوشش هر یک از طرفین نسبت به تغییر وضع موجود ملاحظه نمی‌شود (غلامرضا فخاری: اختلاف دوشین ایران و افغانستان در مورد رود هیرمند، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۱، صص ۷۶ به بعد). لذا چنین به نظر می‌رسد که اکنون پس از پایان دوره کودتاها، مکرر، جنگ و پیروزی مبارزان افغانی، زمان برای مطالبه حقایق ایران فرا رسیده است.

شایان ذکر است که به دنبال سیل ویرانگر سال ۱۳۶۹، زمینه مناسبی برای همکاری ایران و افغانستان بوجود آمد و پس از آنکه دولت ایران به کمک سبیلزندگان افغانی شتافت، هیأتی از افغانستان به ایران آمد و مذاکراتی درباره استفاده مطلوب از آب هیرمند انجام شد که اقدام جدی در پی نداشت. اما واقعیتی که نباید از نظر دور داشت این است که هرگاه جنگ داخلی افغانستان پایان گیرد و افغانها «سلاحها را بر زمین گذارند و بیلها را به دست گیرند، مسلماً اوضاع به گونه‌ای دیگر خواهد بود» (محمداسماعیل نوریان: بحران و جنگ و صلح خاورمیانه، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳، ص ۸۲). لذا پیشگیری از محرومیت ایران از حقایق خود و اقدامات احتمالی افغانستان در جهتی مغایر با منافع ایران و اتخاذ تدابیر لازم در این خصوص، ضرورتی اساسی دارد.

ب. ایستگاههای اندازه‌گیری:

به طور کلی، فراهم کردن مقدمات استقرار تجهیزات اندازه‌گیری بر عهده هیأت‌های مشترک گذارده شده است. در کنوانسیون کارس، هیأت مزبور مأمور انتخاب محل و نوع تأسیسات شده است. ماده ۱ کنوانسیون عشق‌آباد هم به کارشناسان طرفین مأموریت داده است تا به نصب تأسیسات دائمی اندازه‌گیری سطح آب تجن اقدام کنند. توافق یاد شده ایران و عراق نیز کمیسیون فنی دائمی مشترک را موظف کرده است تا مطالعاتی در اطراف ایجاد تأسیسات لازم توسط طرفین انجام دهد و کارآیی آنها را پس از نصب تأمین کند. اما در مورد هیرمند، برخلاف روش معمول، این امر به کارشناسان واگذار نشده است، بلکه اهمیت تقسیم آب چنان بوده که (مطابق ماده ۳ معاهده) تأسیس ایستگاههای اندازه‌گیری بر عهده هر دو دولت نهاده شده است.

دوم. احداث و بهره‌برداری از سد

به دلیل تغییر متناوب فصلها، آبراههای خاورمیانه بیش از دیگر نقاط با تغییرات ناگهانی و گسترده روبرو هستند. لذا برای تنظیم و غلبه بر جریانهای عظیم، مهار آنها و احداث سد ضرورتی تام دارد. اقوام هیتی، ایرانیان و ترکها در روزگار خود، دانش بستن سد را به نیکویی می‌دانستند و سدهایی به‌غایت استوار ساخته‌اند، چنانکه برخی سدهایی که بیش از هزار سال پیش در ناحیه وان ترکیه ساخته شده‌اند، همچنان سرپا هستند و اکنون نیز از آنها استفاده می‌شود.^{۲۸*} در دوره جدید هم دولتها با بکارگیری ترتیبات قراردادی متعدد در امر احداث سد و بهره‌برداری از آن به همکاری پرداخته و در سالهای اخیر نیز به

(28) John F. Kolars et William A. Mitchell. «The Euphrates Rivers and the Southwest Asia Development Project». Southern Illinois University Press, 1991, pp. 2-9.

* بند امیر نیز از جمله سدهای مهم دوران اسلامی در ایران است که در زمان عضدالدوله دیلمی بر روی رود کر در فارس ساخته شد و طول آن ۱۰۶ متر است. این بند از همان زمان تا دوران ما مورد بهره‌برداری بوده است.

همکاری برای تولید نیروی برق از رودها روی آورده‌اند.

۱. سدسازی برای تنظیم و ساماندهی آبهای روان

در معاهدات دوجانبه، مقرراتی درخصوص احداث سد و منظم کردن آبهای جاری به چشم می‌خورد. هدف از این مقررات، حداکثر استفاده از آب و نیز مهار و مبارزه با تأثیرات زیانبار آن است.

الف. بستن سد برای ذخیره‌سازی آب:

در منطقه‌ای کوهستانی همچون خاورمیانه، زمانی که زراعت بیشترین نیاز را به آب دارد همان زمانی است که آب رودها رو به کاهش می‌نهد. برای نظم بخشیدن به جریان آب و استمرار حداقل آبدهی که نیازهای کشاورزان را برآورده سازد، ذخیره‌سازی آب حاصل از طغیانهای بهاری بهترین راه چاره است. از این رو، دولتها در انتخاب محل مناسب برای سدسازی و روشهای استفاده مطلوب از آبهای ذخیره شده ناگزیر از همکاری با یکدیگرند.

ماده ۳ کنوانسیون عشق‌آباد نشان‌دهنده آن است که طرفین به خوبی از مزایای احداث سدی بر روی تجن آگاه بوده‌اند. احداث این سد در محلی نرسیده به پل خاتون، سبب جمع شدن آبهای مازاد در پشت آن می‌شود. ساخت این سد موکول به حصول توافقی خاص گردیده که تاکنون اسباب آن فراهم نشده است. در کنوانسیون کارس نیز پیش‌بینی شده است (ماده ۵) که هرگاه بالا آوردن سطح آب ضروری باشد، هر طرف می‌تواند سدهایی بدین منظور بنا کند مشروط بر اینکه امکان عبور آزاد مقدار آب لازم را فراهم سازد.

ب. استقرار تأسیسات برای جلوگیری از آثار زیانبار طغیان رود:

میزان خسارت‌های طغیان آب اغلب بیش از خسارت‌هایی است که بر اثر کمبود آب به کشاورزان وارد می‌آید. برای مقابله با زیانهای مصیبت‌بار سیلابها، جمع‌آوری اطلاعات و اعمال مدیریت مناسب امری ضروری است.

— ایستگاههای اندازه‌گیری و مطالعاتی: وظیفه این دستگاهها، که ترجیحاً در خاک کشور بالادست استقرار می‌یابند، جمع‌آوری اطلاعات علمی و مطالعات اقلیم‌شناسی است. این اطلاعات باید بی‌درنگ به مقامات کشور پایین دست داده شود تا آنها بتوانند اقدامات پیشگیرانه را برای کاستن از زیانهای احتمالی سیل بعمل آورند. هنگامی که سیلی خروشان و بنیان‌کن در راه است، این همکاری بسیار سودمند خواهد بود.

دجله از جمله رودهایی است که طغیانهایی چنین دهشتناک دارد و حجم آب گاه تا هشتاد برابر کمترین میزان آبدهی آن می‌رسد^{۲۹}. برای جلوگیری از وقوع فاجعه و محدود کردن طغیان رود که تاریخ بین‌التّهرین بارها از آن نشان دارد، ترکیه خود را متعهد به همکاری با کشور پایین دست یعنی عراق دانسته است. در این زمینه، «پروتکل مربوط به تنظیم رودهای دجله و فرات و شاخه‌های آنها» که به «عهدنامه مودت و حسن همجواری عراق و ترکیه» منضم است، در تاریخ ۲۹ مارس ۱۹۴۶ در آنکارا به امضای طرفین رسیده است^{۳۰}. مقدمه این پروتکل استقرار ایستگاههای مطالعاتی دائمی در خاک ترکیه را ضروری دانسته است. در این خصوص کارشناسان عراقی خود باید به بررسیها و مساحی مقدماتی برای انجام طرحها و انتخاب محل ایستگاهها همت کنند. البته ترکیه نیز به منظور حفظ حقوق حاکمه خود، حق ترسیم نقشه‌ها و پیشبرد استقرار این تأسیسات و راه‌اندازی و فعالیت آنها را برای خویش محفوظ داشته است. مخارج کلیه این امور با عراق است ولی هزینه فعالیت ایستگاهها به طور مساوی به عهده هر دو طرف قرار دارد (مواد ۱ و ۳). در زمان بالا آمدن آب، روزانه مطالعات لازم انجام می‌گیرد و میزان آب با تلگرام به اطلاع مقامات عراقی رسانده می‌شود. اما در غیر این مواقع، نتیجه بررسیها دوبار در ماه و آن هم با آگهی‌نامه (بولتن) به عراق ارسال می‌شود. هزینه مخابرات و مکاتبات نیز به عهده دولت عراق است (ماده ۳).

(29) John F. KOLARS - Hydro-geographic Background to the Utilization of International Rivers in the Middle East, in *Proceedings of the 30th Annual Meeting of the American Society of International Law*, Washington, April 9-12, 1946, p. 255.

(30) *Recueil des Traités des Nations Unies*, vol. 37, p. 280.

ماده ۷ معاهده کراچی - که قبلاً ذکر آن رفت - چنین امکانی را در حوضه رود سند پیش‌بینی کرده است. بر این اساس، طرفین متعهد شده‌اند در صورت تقاضای طرف دیگر و به خرج آن، ایستگاههای هواشناسی و آب‌شناسی را در خاک خود دایر کنند. با این حال، طرفین تنها مرجع ذی صلاح برای تشخیص امکان استقرار چنین تأسیساتی هستند.^{۳۱}

- ایجاد استحکامات برای تثبیت سواحل: برای آنکه از عواقب زیانبار تغییرات یکباره کاسته شود و بتوان به شکل مؤثری بر مشکلات ناشی از آن غلبه کرد، استقرار تجهیزات هشداردهنده کافی به نظر نمی‌رسد. بر پایه اطلاعات به‌دست آمده، بخصوص مداومت، حجم و دوره‌های مختلف طغیانها باید اقداماتی برای استحکام بخشیدن به کناره‌های رودخانه و جلوگیری از تغییر بستر آنها انجام بگیرد. در بسیاری از ترتیبات قراردادی چنین اقداماتی پیش‌بینی شده است.

مطابق ماده ۶ کنوانسیون کارزس هر یک از طرفین می‌تواند برای جلوگیری از فرسایش و انهدام کناره‌های رود، سنگ‌چین و دیواره‌هایی بنا کند، البته مشروط بر آنکه طرف دیگر را بموقع مطلع کند و در مقابل آسیبها و خطرات چنین استحکاماتی به طرف دیگر یاری رساند.

با ملاحظه اهمیت منافع و تأثیرات سوء احتمالی حاصل از این‌گونه اقدامات، به یقین شایسته‌تر آن است که در این زمینه دولت‌ها هماهنگ با یکدیگر وارد عمل شوند. معاهده اتحاد جماهیر شوروی [سابق] و افغانستان مورخ ۱۸ ژانویه ۱۹۵۸ به چنین همکاری نظر داشته است.^{۳۲} طبق ماده ۹ معاهده، مقامهای دو دولت متعاهد اقدامات لازم برای رفع موانع جریان آب را که ممکن است به جابجایی بستر آبراهها منجر شود، به اشتراک انجام می‌دهند. همچنین در صورت صلاحدید مسؤولان، کرانه‌های آبراهها باید با بنای استحکامات تثبیت گردد.

در ماده ۷ معاهده آب هیرمند نیز پیش‌بینی شده است هر نوع ابنیه فنی

(31) G. FISCHER, *op. cit.*, p. 274.

(32) - *Traité entre le Gouvernement de l'U.R.S.S. et le Gouvernement royal afghan relatif à la frontière soviéto-afghane*, *Recueil des Traités des Nations Unies*, vol. 321, p. 167.

مشترک که احداث آن به منظور استحکام بستر رود در موضعی که خطّ سرحد در بستر رود واقع گردیده لازم دیده شود، بعد از موافقت طرفین بر شرایط و مشخصات آن، احداث می‌گردد*.

در بعضی آبراهها وضع به گونه‌ای است که لایروبی نامناسب یا ناکافی و یا پُری و بالا آمدن بستر رود، علت اصلی جاری شدن سیل خواهد بود. به نظر می‌رسد حوضه رود سند از این قبیل موارد باشد، زیرا مطابق ماده ۴ معاهده کراچی، پاکستان متعهد به حفظ آمادگی و توانایی خود در زهکشی آبراهها و، در صورت درخواست هند و به خرج آن، تعریض یا عمیق‌تر کردن آبگذرهاست. معاهده ۱۹۵۸ مسکو نیز ماده ۱۲ خود را به این مهم اختصاص داده است، هرچند که رودهای مرزی افغانستان طبیعتاً با رودی چون سند متفاوتند. بر آن اساس، با توافق مشترک در محل‌های مورد نظر طرفین، عملیات لازم انجام خواهد شد. همچنین طرفین ملتزم شده‌اند تا فاصله‌ای از کناره که خطر پر شدن و بالا آمدن یا مسدود شدن مسیر آب وجود دارد، از ریختن زباله و موادّ زاید به آبراه خودداری کنند و با پاکسازی بستر آن، هرگونه ممانع جریان صحیح آب را در زمان طغیان و پرآبی از میان بردارند**.

* در مورد آبراههای مرزی جمهوری اسلامی ایران در تاریخ هجدهم مرداد ۱۳۴۲ قانون حفظ و تثبیت کناره و بستر رودخانه‌های مرزی از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشته است. بر اساس ماده ۱ این قانون، وزارت نیرو با همکاری دیگر دستگاههای ذی‌ربط با رعایت مفاد ماهدات و موافقتنامه‌ها و پروتکل‌های مرزی ایران و دول همجوار، نسبت به انجام امور فنی و اجرایی اقدام می‌نماید. مطابق ماده ۴ این قانون، وزارت کشاورزی حفظ و ایجاد پوشش نباتی و غرس اشجار برای تحکیم و تثبیت کناره‌ها و اجرای طرحهای حفاظت خاک و آبخیزداری را در حوضه رودخانه‌های مرزی به عهده خواهد داشت (مجموعه قوانین اولین دوره مجلس شورای اسلامی، انتشارات روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ص ۴۹۳).

** اتحاد جماهیر شوروی [سابق]، مقررات مشابهی نیز در این زمینه با دولت ایران و آبراههای مرزی دو کشور دارد. مطابق موادّ نهم و دهم قرارداد ۱۳۳۶ ایران و شوروی راجع به انتظامات مرزی، برای حفظ کرانه‌ها از خرابی و جلوگیری از تغییر مسیر، در صورتی که مصادر امور طرفین متفقاً ضروری بدانند، رودخانه‌های سرحدی کناره‌بندی خواهد شد. چنانچه مسیر رود مرزی به‌طور طبیعی تغییر یابد در صورت لزوم متفقاً به اصلاح مسیر اقدام می‌شود. بعلاوه، در صورت ضرورت، آبهای مرزی به خرج متساوی طرفین لایروبی خواهد شد (مجموعه ماهدات دوجانبه معتبر دولت ایران تا سال ۱۳۴۹، انتشارات وزارت امور خارجه، ج ۱، ص ۱۲۲).

۲. تولید برق از نیروی آب

به رغم آنکه صدها رود در منطقه خاورمیانه روان است و درّه‌های ژرف و اختلاف سطح، موقعیت بسیار مناسبی برای احداث نیروگاههای آبی پدید آورده، تعداد این گونه تأسیسات بسیار اندک است. هم‌اکنون فقط دو عملیات بزرگ برای بهره‌برداری از آبراههای مرزی و تولید نیروی برق انجام یافته است: یکی در یرموک که سوریه و اردن به آن مشغولند، و دیگری عملیات ایران و شوروی [سابق] در رود ارس.

الف. تولید نیروی برق از یرموک:

یرموک از دامنه غربی جبل دروز سرچشمه می‌گیرد و پیش از آنکه به اردن برسد، در ده کیلومتری جنوب دریاچه طبریه، حدود ۱۵ کیلومتر از مرز سوریه و اردن را تشکیل می‌دهد و پس از آن به‌طور پیوسته تا حدود ۳۰ کیلومتر اردن را از فلسطین اشغالی (اسرائیل) جدا می‌کند. آبدهی یرموک تا ۵۰۰ میلیون مترمکعب در سال تخمین زده می‌شود و در عمل تنها منبع آب برای اردن به شمار می‌آید^{۳۳}. پس از تشکیل دولت اسرائیل و روی آوردن پناهندگان فلسطینی به اردن، این دولت به فکر تهیه برنامه‌ای گسترده برای استفاده از منابع آب مزبور افتاد. با کمکهای مالی سازمان ملل برای آوارگان فلسطینی در چارچوب «UNRWA» (دایرة کمکهای ملل متحد برای آوارگان فلسطینی در خاور نزدیک) و کمکهای ایالات متحده (مشهور به اصل چهار مارشال)^{۳۴} راه انعقاد توافقنامه دمشق بین سوریه و اردن در ۴ ژوئن ۱۹۵۳ هموار شد. در این توافق، طرفین احداث سدّی به ارتفاع ۷۰ تا ۱۰۰ متر و طول ۱۱۵۰ متر را در المکارن پیش‌بینی کرده‌اند. از این سد، با گنجایش ۳۰۰ میلیون مترمکعب آب، برای تولید نیروی برق و آبیاری اراضی استفاده خواهد شد. هزینه تحقیقات و

(33) Joseph W. DELLAPENNA - Water in the Jordan Valley : The Potential and Limits of Law - the Palestine Yearbook of International Law, vol. V, 1989, p. 20.

(34) J.V. LOUIS - Les eaux du Jourdain -, A.F.D.I., vol. XI, 1965, pp. 831-832.

مطالعات اولیه و بکارگیری متخصصان برای اجرای طرحها با اردن است. سوریه نیز عبور آزاد مجریان طرح را در خاک خود تضمین کرده است و خدمات مخابراتی مورد نیاز آنان را تا اتمام کار فراهم می‌آورد (مواد ۳ و ۹). هفتاد و پنج درصد نیروی تولید شده به سوریه تعلق خواهد داشت و در عوض بخش اعظم ذخیره آب در اختیار اردن خواهد بود. این کشور پرداخت دستمزد کارکنان را تا میزان هشتاد درصد و هزینه‌های مربوط به عملیات ساخت و نصب و تجهیزات را تا میزان نود و پنج درصد تقبل کرده است.^{۳۵} ماده ۱۰ توافقنامه، تشکیل هیأت مشترکی از کارشناسان عالی‌رتبه را مقرر کرده و مأموریت اولیه آن را نظارت بر پیشرفت کار احداث سد قرار داده است. ولی تنگدستی و دشمنی‌های آشکار اسرائیل که با حمله سال ۱۹۶۷ ساختمان نیمه‌کاره آن را نابود ساخت، دو مانع بزرگ بر سر راه اجرای این طرح بوده و تاکنون به سرانجام نرسیده است.^{۳۶}

در این میان، اردن همچنان بر احداث سد المکارن پای می‌فشارد^{۳۷} و اسرائیل نیز که پس از جنگ شش روزه در سال ۱۹۶۷ مناطق بیشتری از کرانه‌های سمت راست یرموک را به اشغال خود درآورده است، به اجرای این طرح علاقه نشان می‌دهد. این دولت خواهان آن است که احداث سد در چارچوب همکاری منطقه‌ای انجام شود تا بدین ترتیب جمعیت ساکن در غرب اردن نیز از ثمرات آن بی‌بهره نمانند. در واقع، اسرائیل با استناد به حقوق بین‌الملل عرفی، سهمی منصفانه از یرموک را طلب می‌کند.^{۳۸}

ب. تولید نیروی برق از ارس:

پس از تصمیم به استفاده مشترک از رودهای مرزی ارس و اترک برای تأمین منابع آبیاری و تولید نیرو در ۱۱ اوت ۱۹۵۷ [۲۰ مرداد ۱۳۳۶]، موافقتنامه استفاده از رودخانه‌های مرزی در تهران به امضای نمایندگان ایران و

(35) Abraham M. HIRSCH, *op. cit.*, p. 96.

(36) Jeffrey D. DILLMAN - Water Rights in the Occupied Territories, *Journal of Palestine Studies*, vol. XIX, N° 1, Autumn 1989, pp. 51-52.

(37) Joseph W. DELLAPENNA, *op. cit.*, p. 27.

(38) Lettre datée du 16 juillet 1982 du Représentant permanent d'Israël aux Nations Unies au Secrétaire Général, A/37/347 du 19 juillet 1982, p. 10.

اتحاد شوروی رسید. طبق این موافقتنامه که در مقدمه به اصل برابری حقوق طرفین در استفاده از منابع آب و نیرو تصریح می‌کند، دو طرف عهده‌دار تهیه طرح مقدماتی و مطالعات لازم در این باره شده‌اند. بر اساس مواد ۲ و ۳، سه گروه از کارشناسان منتخب طرفین موظف به تهیه گزارش توجیهی و انجام مطالعات زمین‌شناسی و تشریح و ترسیم آبهای جاری و تهیه نقشه‌های لازم شده‌اند. این گروه‌ها باید هر سه ماه یک‌بار گزارش کار خود را تسلیم مقامهای ذی‌صلاح کنند.

مطالعات اولیه برای احداث تأسیسات مشترک را شوروی برعهده گرفته است و ایران نیز با اعزام ده کارشناس به خرج خود، در این مطالعات مشارکت می‌جوید (ماده ۵). از آنجا که حوضه رود ارس امکان بیشتری برای تأمین منابع آبیاری و پیشرفت اقتصادی داشت، اولویت اجرای طرحهای مورد نظر به این حوضه داده شد. با امضای موافقتنامه همکاری اقتصادی و فنی در ژوئیه ۱۹۶۳ [مرداد ۱۳۴۲]، طرفین به‌طور رسمی با اجرای برنامه بهره‌برداری از ارس توافق کردند.^{۴۹} این برنامه مشتمل بود بر احداث یک سد مخزنی در منطقه نخجوان و یک سد انحرافی در میل و مغان برای آبیاری دشتهای همجوار. گنجایش سد نخست با ارتفاع ۳۵ - ۴۰ متر، تا ۸۰۰ میلیون متر مکعب خواهد بود که ۴۰ - ۶۰ هزار کیلووات برق در ساعت تولید می‌کند، و از سد دوم با ارتفاع ۱۰ متر باید آب ۶۵ هزار هکتار اراضی زراعی تأمین شود.^{۴۰} به موجب این موافقتنامه، هزینه‌های عملیات به‌طور مساوی با طرفین است که بدین منظور شوروی ۳۵ میلیون روبل به ایران اعتبار می‌دهد تا تجهیزات و اجناس مورد نیاز را بخرد. مطابق ماده ۲ شرکت‌های شوروی عملیات را با مشارکت شرکت‌های ایرانی پیش می‌برند و عملیات طی ۶ تا ۷ سال به پایان خواهد رسید. برای آنکه بهره‌برداری به نحو احسن انجام شود، دو موافقتنامه مذکور توجه خاصی به ملاحظات فنی نموده و موانع سیاسی را که باعث وقفه در انجام موفقیت‌آمیز عملیات می‌شود،

(۳۹) این موافقتنامه در دبیرخانه ملل متحد به ثبت نرسیده است. همچنین تاکنون ترجمه رسمی به زبان فرانسه یا انگلیسی از این موافقتنامه، که نسخه فارسی و روسی آن از اعتبار مساوی برخوردارند، منتشر نشده است.
140) Cf. commentaire de l'Accord irano-soviétique du 11 août 1957 par Abraham M. Husein, in the Middle East Journal, vol XIII, 1959, p. 193.

از میان برداشته‌اند. در هر دو مورد، طرفین به کارکنان حق عبور آزاد از سرزمین خود را می‌دهند و تمام امکانات را برای حسن اجرای وظایف ایشان فراهم می‌آورند (ماده ۴ موافقتنامه ۱۹۵۷ [۱۳۳۶] و ماده ۵ موافقتنامه ۱۹۶۳ [۱۳۴۲]). در ۷ ژوئیه ۱۹۷۱ [تیر ۱۳۵۰] مقررات و شرایط عبور و اقامت کارکنان مجری طرح و جابجایی اثاثیه و اموال به طور مشروح تدوین شد و بدین ترتیب طرفین به قدر وسع کوشیدند موضوع را بدور از مرزبندیهای سیاسی به پیش ببرند. این موافقتنامه همانند کنوانسیون ژنو مورخ ۹ دسامبر ۱۹۲۳ راجع به «بهره‌برداری از نیروی آب بین دولتهای ذی‌نفع»^{۴۱} نشان‌دهنده تقابل دو اصل به‌ظاهر متضاد است: اصل حاکمیت دولت بر سرزمین خود، و مقتضیات فنی و بهره‌برداری مطلوب از نیروی آب برای تولید برق^{۴۲}.

در تاریخ ۲ دسامبر ۱۹۷۳ [۱۱ آذر ۱۳۵۲] پروتکل شرایط، مقررات و نحوه اداره و بهره‌برداری از تأسیسات موجود در رود ارس بین نمایندگان طرفین در تهران به امضاء رسید^{۴۳}. بر اساس ماده ۱ این پروتکل، تمام تأسیسات و تجهیزات در حکم اموال مشترک طرفین بوده و غیرقابل تقسیم و تفکیک است. هیأت مشترک نیز مأمور تأمین هماهنگی لازم و حل مشکلات ناشی از بهره‌برداری و اداره تأسیسات می‌باشد (ماده ۷). تسهیلات رفت و آمد و اقامت کارکنان نیز فراهم شده است (ماده ۸).

موقفیت این اقدام مشترک موجب شد ایران و شوروی دست به کار عملیات دیگری در پایین دست آبراه شوند. در تاریخ ۱۱ اکتبر ۱۹۷۷ [۱۹ مهر ۱۳۵۶] توافقی بین طرفین حاصل شد تا تأسیسات تولید برق آبی از سد خدآفرین و سد قزقلعه‌سی احداث گردد. مذاکرات برای پیشبرد سریع امور در حال انجام است*.

(41) *Recueil des Traités de la Société des Nations*, vol. VII, p. 36

(42) C.A. COLLARD - Evolution et aspects actuels du régime juridique des fleuves internationaux -, *Recueil des Cours de l'Académie du Droit International*, 1968-III, vol. 125, p. 403.

(43) همانند موافقتنامه سال ۱۳۴۲ (۲۲ ژوئیه ۱۹۶۶). این توافق نیز در دبیرخانه ملل متحد ثبت نشده است.

* پس از گذشت چند سال از آن تاریخ، پروتکل نهایی همکاریهای اقتصادی بین جمهوری اسلامی ایران و اتحاد شوروی (سابق) در تاریخ ۳۰ خرداد ۱۳۵۹ به امضاء رسید و در ۱۳ تیر همان سال ماده واحده آن از تصویب شورای انقلاب گذشت. در اجلاس مربوط، طرف شوروی جریان تهیه طرح فنی احداث مجموعه ←

آبراههای مورد گشمتش و قواعد حقوقی بین المللی

با اضمحلال امپراتوری عثمانی و قطعه قطعه شدن سرزمینهایی که تحت حکومت واحدی بودند، حوضه های رودهای اردن و فرات هر یک در حاکمیت چند دولت قرار گرفتند. بسیار بدیهی است که در این منطقه خشک و کم آب، هرکس می خواهد آب بیشتری فراچنگ آورد. و سوسه استفاده انحصاری برای پیشبرد اقتصاد ملی و نبود زمینه مناسب سیاسی و اعتقادی برای همکاری،

→ تأسیسات آبی خداآفرین را به اطلاع طرف ایرانی رساند و قرار بر ادامه مذاکرات کارشناسان طرفین شد. بعلاوه، طرف شوروی اطلاع داد که گزارش توجیهی اقتصادی و فنی مربوط به احداث مخزن آب در رودخانه هریرود (تجن) در ناحیه پل خاتون را تهیه کرده است و گزارش استفاده از منابع آب رود اترک که با کمک سازمان ایرانی ذی ربط تهیه شده بود و همچنین ساختمان سد انحرافی رود هریرود در ناحیه دولت آباد در همان اجلاس به طرف ایرانی تسلیم شد. در این اجلاس، نماینده ایران برای ایجاد آبراهه انحرافی جداگانه در رود اترک با ظرفیت عبور ۲۰ مترمکعب آب در ثانیه اعلام آمادگی کرد و موضوع استفاده مشترک از رودهای مرزی در دستور اجلاس بعدی قرار گرفت (مجموعه قوانین سال ۱۳۵۹، صص ۳۵۹ به بعد). در نهایت، پس از چند سال مذاکره در تاریخ ۱۵ آذر ۱۳۶۷ (دسامبر ۱۹۸۸) موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و اتحاد شوروی (سابق) راجع به همکاری در احداث و بهره برداری تأسیسات آبی خداآفرین و قیز قلمه سی رودخانه مرزی ارس در مسکو به امضاء رسید. این موافقتنامه در خرداد ۱۳۶۸ از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت. در مقدمه آن به حق مساوی طرفین نسبت به کلیه منابع آب و انرژی قسمتهای سرحدی ارس اشاره شده و بر اساس ماده ۱، تأسیسات در مالکیت مشترک ایران و شوروی بوده و به نسبت مساوی متعلق به طرفین است. اگرچه مراسم آغاز عملیات تأسیسات آبی خداآفرین چند سال پیش برگزار شد ولی جز امور مقدماتی و برخی کارهای مطالعاتی و تجهیز کارگاهها، پیشرفت قابل ملاحظه ای در امر احداث آن حاصل نشده است. درگیر بودن دولت آذربایجان، که در عمل جانشین اتحاد شوروی در بهره برداری از رود ارس شده است، در مخاصمه با همسایه خود یکی از علل اصلی تأخیر در اجرای عملیات به نظر می رسد. درخصوص ایجاد تأسیساتی در پل خاتون بر روی هریرود نیز مذاکراتی با دولت ترکمنستان در حال انجام است که توافقاتی حاصل آمده، هرچند که فعالیت جدی آغاز نشده است.

خواه ناخواه به سود کشورهای بالادست تمام می‌شود که با اقدامات یکجانبه خود به بهره‌برداری از بخشهای واقع در سرزمین خود می‌پردازند. بالطبع این فعالیتها که عموماً منافع کشورهای پایین دست را نادیده می‌انگارند، منجر به بروز درگیریها و برخوردهایی بین دولتهای حوضهٔ یک آبراه* می‌گردد. اگرچه همهٔ رودها خصوصیات یکسانی ندارند، ولی باید با استفاده از قواعد عمومی حقوق بین‌الملل راجع به رودخانه‌ها در زمینهٔ استفاده‌های غیرکشتریانی، به حل این منازعات همت گماشت. انجام این مهم برعهدهٔ حقوقدانان است.

اول. بهره‌برداری از آبهای مورد اختلاف

به رغم طرحهای متعدّد برای بهره‌برداری یکسان از حوضهٔ رود اردن، که مهمترین آن طرح جانستون بوده و ایالات متّحده آن را ارائه کرده است^{۴۴}، در بهره‌برداری از منابع آب این آبراه، همواره بین دولتهای عرب و اسرائیل کشمکش بوده است. در مورد فرات نیز از سال ۱۹۶۲ به بعد، دولتهای ترکیه، سوریه و عراق بر سر تقسیم آن اختلاف داشته‌اند. از سال ۱۹۸۴ که ترکیه به منظور استفادهٔ منطقی از فرات با بلندپروازی به فکر توسعهٔ آناتولی جنوب شرقی افتاد، چالشهای جدی بین دولتهای حوضهٔ این رود درگرفته است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

* با توجه به تعریفی که کمیسیون حقوق بین‌الملل از آبراه (Water course) کرده است، می‌توان آن را مجموعی از آبهای سطحی و زیرزمینی دانست که به دلیل ارتباط طبیعی بین آنها یک حوضهٔ واحد را تشکیل می‌دهند و به سوی مقصدی مشترک راه می‌سپزند. بنابراین، حوضهٔ یک آبراه، به تمامی حوضهای تفکیک‌ناپذیر و کلی است که قرار گرفتن آن در سرزمین چند دولت تأثیری بر مشخصات طبیعی و واحد بودن آن ندارد.

Cf. Report of the international law commission on the work of its forty-fifth session (1993) General Assembly (A/48/10), p. 224.

به عنوان مثال، حوضهٔ آبریز رود کارون مناطقی از استانهای چهارمحال و کهگیلویه و خوزستان را دربرمی‌گیرد ولی چون پایاب همهٔ آنها کارون و در نهایت خلیج فارس است به عنوان حوضهٔ آبریز کارون شناخته می‌شود.

(44) Pour la liste des 16 plans d'aménagement élaborés entre 1939 et 1964, Cf. « Water Resources of the Occupied Palestine Territory », *JAAC*.183, Nations Unies, New-York, 1992, p. 17.

۱. بهره‌برداری از رود اردن

رود اردن از پیوستن چهار سیلاب تشکیل شده است که از کوهستانهای لبنان سرآزیر می‌شوند و ۳۶۰ کیلومتر طول دارد. این رود در پایین دست، حدود چند کیلومتر به فلسطین اشغالی (اسرائیل) داخل می‌شود و از دریاچه‌های طبریه و حلوه می‌گذرد و با خروج از دریاچه طبریه به یرموک می‌پیوندد و آنگاه اردن و اسرائیل را از هم جدا می‌کند، سپس به اردن وارد می‌شود و سرانجام به بحر المیت می‌ریزد. پس از جنگ ۱۹۶۷ اعراب و اسرائیل که کرانه باختری رود اردن به اشغال اسرائیل درآمد، این آبراه خط نشانه بین سرزمینهای اشغالی و اردن شد. آبدهی این آبراه همچون شاخه‌های آن اندک است و همین، علت تشدید اختلافات و حتی منازعه برای در اختیار گرفتن آب رود اردن شده است. پس از پایان نخستین جنگ جهانی، سوریه و لبنان به قیمومت فرانسه، و فلسطین به قیمومت انگلستان درآمدند. این دو قدرت مجموعه توافقی را به امضاء رساندند تا مسائل مرزی و نظام بهره‌برداری از رود اردن را سامان بخشند. نخستین بار، موافقتنامه‌ای در ۲۳ دسامبر ۱۹۲۰ در پاریس امضاء شد و انگلستان و فرانسه توافق کردند راههای استفاده مشترک از رود اردن را بررسی کنند. منظور اصلی دو طرف، استفاده‌های آبیاری و تولید نیرو از قسمت علیای رود اردن و یرموک بود که منوط به تأمین نیازهای سرزمینهای تحت اداره فرانسه گشته بود. در ۷ مارس ۱۹۲۳ طرفین ضمن مبادله نامه راجع به ترسیم مرز میان سوریه و فلسطین، در امور شیلات و کشتیرانی دریاچه‌های حلوه و طبریه و آن قسمت از رود اردن که بین دو دریاچه واقع شده است، حقوقی برابر با ساکنان فلسطین را برای ساکنان لبنان و سوریه به رسمیت شناختند.^{۴۵} توافق سوم در ۲ فوریه ۱۹۲۶ در شهر اورشلیم حاصل آمد و طرفین بر حقوق مکتسب ساکنان لبنان و سوریه، شامل اهالی مناطق دور از کناره رود، برای استفاده از آب مطابق اسناد و سابقه و عرف محلی هم‌سخن شدند.^{۴۶}

(45) *Recueil des Traités de la Société des Nations*, vol. XXII, p. 354 et 364.

(46) *Recueil des Traités de la Société des Nations*, vol. LVI, p. 80.

با پایان قیمومت انگلستان بر فلسطین، اسرائیل با طرح و دفاعی همه‌جانبه از قاعده «دولت بی‌مسئولیت»^{۴۷} جهدی تمام‌بکاربرد تا به عنوان دولت جانشین به حساب نیاید. در نبود زمینه‌ای مساعد برای همکاری دولتهای کناره رود، اسرائیل آسوده از هر تعهدی دست به کار انحراف جریان آب و بهره‌گیری از آن به نفع خود شد. تخلیه آب دریاچه طبریه با تلمبه‌زنی، اصلی‌ترین اقدام اسرائیل بود که دولتهای عرب به‌جد در مقابل آن واکنش نشان دادند، هرچند که موفقیت چندانی به دست نیاوردند.

الف. تلمبه‌زنی اسرائیل در دریاچه طبریه:

اریک جانستون (Eric Johnston)، فرستاده آیزنهاور رئیس‌جمهور آمریکا در آغاز دهه پنجاه میلادی، طرحی را ارائه کرده بود که با اجرای آن دریاچه طبریه تبدیل به مخزن آبی وسیع برای آبیاری سراسر منطقه می‌شد. بر اساس این طرح، حق اردن از این آب ۵۶ درصد و سهم اسرائیل ۳۷ درصد بود و ۷ درصد باقیمانده به سوریه تعلق می‌گرفت. اعراب با شروطی چند این طرح را در سال ۱۹۵۵ پذیرفتند ولی اسرائیل از قبول آن سر باز زد. اسرائیل که از موقعیت جغرافیایی مساعدی برخوردار است، در اجرای «طرح آبرسانی»، آب دریاچه را با تلمبه به بیابانهای ناحیه تقب هدایت می‌کند. مرحله اول این عملیات در سال ۱۹۶۴^{۴۸} و مرحله دوم در سال ۱۹۷۰ به پایان رسید و اسرائیل توانست ظرفیت تلمبه‌زنی را به ۱۱ تا ۱۶ مترمکعب آب در ثانیه برساند.^{۴۹} هم‌اکنون اسرائیل سالیانه حدود ۴۴۰ میلیون مترمکعب آب از دریاچه طبریه

(47) J.C. FERNANDEZ ROZAS - *La succession d'Etats en matière de conventions fluviales* -, in *Le régime juridique des fleuves et des lacs internationaux*, R. ZACKLIN et L. CAFLISCH (Ed.) Martinus Nijhoff Publishers, 1981, p. 158.

[قاعده «Table rase» یا «Clean slate State»، برگرفته از عبارت لاتین «Tabula rasa»، به معنای دولت بی‌مسئولیت است. این نظریه، که طرفداران آن بیشتر دولتهای نو استقلال از بند استعمار رسته بوده‌اند، بنا بر منافع ملی مطرح می‌شود و انگیزه اصلی از طرح آن مبارک‌کردن دولت جدید از تعهدات و مسؤولیتهای دولت پیشین است.]

(48) Jeffrey D. DILLMAN - *Water Rights in the Occupied Territory* -, *Journal of Palestine Studies*, vol. XIX N° 1, Autumn 1989, Issue 73, pp. 51-52.

(49) *Water Resources of the Occupied Palestine Territory*, op. cit., p. 14.

برداشت می‌کند* و با کمک ایستگاه تلمبه‌زنی طبقه در بئرالشعبه مرکز ناحیه نقب، توانسته است آب را به بیابانهای برساند که پیش از این خشک و بی‌محصول بود. با حاصلخیز شدن اراضی این ناحیه، جمع کثیری از مهاجران یهودی | به آنجا کوچ کرده و سکنی گزیده‌اند.

ب. طرحهای دولتهای عربی برای تغییر جهت رود اردن:

هرچند اسرائیل به‌طور مستقیم از رود اردن آب بر نمی‌دارد ولی تلمبه‌زنی در دریاچه به کاهش حجم آب قابل استفاده در خروجی دریاچه می‌انجامد و دولتهای عرب نیز به همین خاطر در برابر آن واکنش نشان داده‌اند. در ۲۹ فوریه ۱۹۶۰ اتحادیه عرب با تصویب قطعنامه‌ای این عمل اسرائیل را «اقدامی تجاوزکارانه» دانست و با استناد به نظریه دفاع مشروع جمعی در این خصوص، تشکیل یک گروه ویژه را اعلام کرد که مأموریت آن هماهنگی و اجرای طرحهای بهره‌برداری از رود اردن در جهت منافع اعراب است. اجلاس سران دولتهای عرب در سال ۱۹۶۴، مجموعی از طرحهای تهیه شده را از تصویب گذراند.

سوی طرح بهره‌برداری از یرموک که ذکر آن رفت، باید به طرح تغییر مسیر آبهای حصبانی به سمت لیتانی در لبنان و حفر دو آبراهه در سوریه اشاره کرد.^{۵۰} با سه بار حمله نظامی اسرائیل به عملیات مقدماتی این طرحها در سوریه در سال ۱۹۶۵، اجرای آن متوقف شد^{۵۱} و از آنجا که ادامه کار بدون حمایت و دفاع نظامی ناممکن بود و چنین دفاعی نیز در توان اعراب نبود، در شهریور همان سال سران عرب تصمیم به توقف عملیات به‌طور موقت گرفتند.^{۵۲} چنین

* جان بلوک و عادل درویش در کتاب جنگهای آب، درگیریهای آینده در خاورمیانه نوشته‌اند که این روزها، رود اردن چیزی بیش از یک جویبار نیست، که در تابستان آن جویبار نیز کمابیش خشک می‌شود. این رود بزرگ افسانه‌ای قربانی برداشت و مصرف بیرحمانه آب در خاورمیانه شده است. برداشت آن مقدار آب از دریاچه یکی از دلایل سقوط سطح آب در بخشهای پایین رود اردن است (رک. «تقسیم آب: راهی به سوی صلح»، مجله آب و توسعه، فصلنامه امور آب وزارت نیرو، س دوم، ش ۱، بهار ۷۳، صص ۱۰۵-۱۰۶).

(50) J.V. Louis, *op. cit.*, p. 843.

(51) Dossier *Les temps Modernes*, N° 253 bis, 1967, p. 879.

(52) J.V. Louis, *op. cit.*, p. 845.

به نظر می‌رسد که تاکنون فقط اردن توانسته است طرح آبیاری حدود ۲۳ هزار هکتار از اراضی کرانه شرقی رود اردن را از طریق آبراهه القور (موسوم به کانال ملک عبدالله) به انجام رساند.^{۵۳}

۲. بهره‌برداری از فرات

فرات که از فلاتهای مرتفع ترکیه سرچشمه می‌گیرد و از مناطقی نیمه بیابانی در سوریه و عراق می‌گذرد اهمیت زیادی در آبیاری مناطق اطراف مسیر خود دارد. این آبراه بیش از ۲۷۰۰ کیلومتر درازا دارد و همچون دیگر آبراههای خاورمیانه بین ماههای آذر و فروردین پر آب است و آبدهی آن گاه تا ۵۰۰۰ مترمکعب در ثانیه می‌رسد، اما در ماههای شهریور، مهر و آبان پایین می‌رود و آبدهی آن تا میزان ۱۵۰ مترمکعب در ثانیه کاهش می‌یابد. بنابراین، بهره‌برداری از این رود و تنظیم آبدهی آن برای بیشترین استفاده ممکن، ضرورتی حیاتی است.^{۵۴} از آنجا که کشورهای حوضه فرات، اقدامی جمعی برای بهره‌برداری از آن بعمل نیاورده‌اند، هر یک به‌طور جداگانه مبادرت به احداث سد کرده‌اند. در پایین دست، دولت عراق در رمادی‌الهندیه سدّی احداث کرده که به دلیل موقعیت جغرافیایی عراق، هیچ مشکلی به بار نیامده است. ولی اقدامات مشابه سوریه و ترکیه با اعتراضهای جدّی دولتهای پایین دست روبرو گشته است.

الف. بهره‌برداری سوریه:

برای کشوری نیمه بیابانی چون سوریه، استفاده از آب فرات و توسعه بخش کشاورزی جنبه حیاتی دارد. سوریه در ۴ مه ۱۹۶۶، با امضای پروتکلی، احداث سدّی را در طبقه (موسوم به الثوره) در نزدیکی مرز ترکیه به ائتّحاد شوروی سپرد. روسها نیز بی‌درنگ دست به کار شدند و عملیات سدسازی را در ۱۹۷۳ به پایان رساندند. با احداث این سد، آبیاری ۶۵۰ هزار هکتار از زمینهای

(53) - Une prouesse technique, l'aménagement de la vallée du Jourdain -, *Le Monde* du 2 mars 1984.

(54) - Le partage des eaux de l'Euphrate -, *Maghreb-Machrek*, N° 69, juillet-août-septembre 1975. La Documentation française, p. 61.

خشک و بی حاصل میسر می‌گشت و ۶۰ درصد از برق مورد نیاز سوریه تولید می‌شد.^{۵۵}

برای آبیگری این سد و اقدام مشابه ترکیه در آبیگری سد کبان، بیش از یک میلیارد مترمکعب آب تا مارس ۱۹۷۵ مورد نیاز بود. این دو عملیات در بالادست که به کاهش محسوس آب فرات می‌انجامید، خشم عراق را برانگیخت. در ۲۱ آوریل ۱۹۷۱ شورای اتحادیه عرب به درخواست عراق تشکیل جلسه داد و هیأت کارشناسی را مأمور بررسی موضوع کرد. این هیأت فنی در ۲۹ آوریل ۱۹۷۵ از سوریه خواست تا آبهای ذخیره شده را برای تأمین نیازهای عراق رها کند. ولی سوریه به نشانه اعتراض از این هیأت خارج شد و از پذیرش نظر آن سر باز زد.^{۵۶}

ب. بهره‌برداری ترکیه:

برنامه گسترده ترکیه برای بهره‌برداری از فرات که به نام اختصاری «گاپ» (Guneysdogu Anadolu Projesi) (جنوب شرقی آناتولی) موسوم است، در پایین دست سد کبان متمرکز شده و از سال ۱۹۷۴ آغاز گشته است. این برنامه شامل ارزیابی منابع آبرسانی به ناحیه‌ای با وسعت ۷۵ هزار کیلومتر مربع در جنوب شرقی ترکیه است. تخمین زده شده است که هزینه‌های این طرح تا زمان بهره‌برداری در سال ۲۰۰۵ [۱۳۸۴] به ۲۰ میلیارد دلار برسد. اجرای این طرح ۱۲ درصد به درآمد ملی ترکیه خواهد افزود. در این طرح، احداث ۲۲ سد و ۱۹ نیروگاه پیش‌بینی شده است که بدین ترتیب ضمن آبیاری ۱/۷ میلیون هکتار زمین، سالیانه ۲۷ میلیارد کیلووات ساعت برق تولید می‌شود و بخش اعظم نیازهای ترکیه به نیروی برق برطرف می‌گردد. در این میان، سد عظیم آتاترک در نزدیکی اورفه، حکایتی بس متفاوت دارد. این سد با ۱۷۶ متر بلندی و ۱۹۱۴ متر درازا، دریاچه‌ای به مساحت ۸۱۷

(55) John F. KOLARS et William A. MITCHELL, *op. cit.*, p. 3.

(56) - Le partage des eaux de l'Euphrate -, *op. cit.*, p. 63.

کیلومتر مربع را در پشت خود بوجود می آورد^{۵۷}. به منظور آنکه هنگام آبیگری این سد، از آسیبهای احتمالی به سوریه کاسته شود، ترکیه طبق پروتکلی متعهد شده است در طی این دوره به طور میانگین ۵۰۰ متر مکعب آب در ثانیه به سمت سوریه روان کند. چنانچه در طول یک ماه ترکیه نتواند این مقدار آب را فراهم سازد، باید کمبود آن را در ماه بعدی جبران کند^{۵۸}. در ۶ دسامبر ۱۹۸۹ دولت ترکیه اعلام کرد برای آبیگری سد آتاترک، به مدت یک ماه راه بر آب فرات بسته خواهد شد^{۵۹}. این عملیات از ۱۳ ژانویه تا ۱۲ فوریه ۱۹۹۰ انجام شد و طی آن مقدار آب در بخش پایین بسیار کم شد. واکنش سوریه به این اقدام بسیار شدید بود، زیرا منطقه در معرض خشکی و کم آبی کم سابقه ای قرار گرفت^{۶۰}. در مقابل، ترکیه به مقررات پروتکل پیش گفته استناد می جست و معتقد بود که طی یک ماه عملیات، دست کم ۷۵۰ متر مکعب آب در ثانیه تحویل داده که در واقع به علت آب شدن برف، این مقدار تا ۱۰۰۰ متر مکعب هم رسیده است^{۶۱}.

به هر حال، اختلاف در این باره همچنان باقی است. در اجلاس کارشناسان دولتهای عضو اتحادیه عرب در ۲۲ دسامبر ۱۹۹۲ در قاهره، مسأله کمبود آب مورد بررسی قرار گرفت. در این اجلاس اسرائیل و ترکیه متهم به «دزدی آب اعراب» شدند و به همین جهت دبیر کل اتحادیه عرب تشکیل اجلاس سران دولتهای عرب را برای بررسی موضوع پیشنهاد کرد. در این مورد قرار شد شورای اتحادیه در اجلاس خود در مارس ۱۹۹۳ به بحث بنشینند^{۶۲}.

(57) GAP Southern Anatolia Project, the General Directorate of Press and Information of the Turkish Republic, 1992.

(58) Pour les dispositions relatives aux ressources en eau de ce Protocole, *CE Middle East Contemporary Survey*, vol. XI, 1987, p. 650.

(59) *Chronique des faits internationaux, R.G.D.I.P. Tome 94, 1990, p. 796.*

(60) Joyce R. STARR, «Water Wars», *Foreign Policy*, N° 82, Spring 1991, p. 30.

(61) *Le Monde* des 14-15 janvier 1990.

(۶۲) بنابر اطلاع حاصله از دفتر نمایندگی اتحادیه عرب در پاریس.

* پنجمین اجلاس کنفرانس آب در مسقط پایتخت عمان در بهار ۱۳۷۳ (آوریل ۱۹۹۴) برگزار شد. در این اجلاس که اسرائیل نیز با اعزام هیأتی ۲۳ نفره برای نخستین بار در آن شرکت کرد، اعلام شد که هرگونه همکاری در زمینه آب و کشاورزی بین اعراب و اسرائیل قیل از دستیابی به صلح مردود است (محمداسماعیل نوریان: همان مأخذ، ص ۱۲۰) و این خود نشان دهنده آن است که زمینه های همکاری بین دشمنان قبلی و مذاکره کنندگان فعلی، درخصوص استفاده مشترک از منابع آب فراهم شده است. کنار ←

دوم. حقوق و تعهدات کشور بالادست

معارضه دولتهای حوضه رودهای اردن و فرات در استفاده از منابع آب این دو حوضه، برآیند اختلاف نظر بیش از حد آنها در باب حقوق و تعهداتشان است. این مسأله در بحثهای راجع به حقوق استفاده‌های غیرکشتریانی از آبراههای بین‌المللی* نیز مطرح است. در این خصوص، مشکل اینجاست که هر آبراه ویژگیهایی دارد که مقتضی توجه خاص به مسائل آن است و به همین دلیل تاکنون پی‌ریزی نظام حقوقی بدون ابهام و دربردارنده قواعد عمومی و فراگیر میسر نگشته است. با این همه، از سال ۱۹۷۱ که این موضوع در دستور کار کمیسیون حقوق بین‌الملل قرار گرفته است، بررسیهای بیشتری در این مورد انجام شده و مخبران ویژه، گزارشهای متعددی را ارائه کرده‌اند و گفتگوی زیادی بر این اساس بعمل آمده است. همین امر یافتن راه‌حل را آسان‌تر می‌کند، زیرا بررسی مفاهیمی که کمیسیون به تبیین آن پرداخته بسیار مفید و راهگشاست. کمیسیون خود این مفاهیم را با استفاده از آراء قضایی و داوری، توافقات متعددی، دوجانبه و نتیجه تحقیقات مجامع علمی بخصوص انستیتوی حقوق بین‌الملل، فراهم آورده است. تلاش کمیسیون در این باره سازگار نمودن حقوق حاکمه دولت در بهره‌گیری از آبهای سرزمین خود و تعهد به خودداری از اعمال این حاکمیت به ضرر دولت دیگر است. حاصل این تلفیق، قاعده «استفاده و مشارکت منصفانه و معقول»** از آبراه است که در ماده ۱۵ طرح مصوب کمیسیون در سال ۱۹۹۱ مطرح گردیده است.^{۶۳} مطابق این قاعده که نشان‌دهنده

→ گذارده شدن طرحهای بلندپروازانه ترکیه موسوم به «پروژه صلح آب» از این اجلاس شاهد دیگری بر این مدعاست. این پروژه بخش برون‌مرزی طرحهای ترکیه را تشکیل می‌دهد که به موجب آن با کمک اعراب خط لوله آب از ترکیه به این مناطق کشیده می‌شد.

* The law of the non-navigational uses of international water course

** Equitable and reasonable utilization and participation

(63) Rapport de la C.D.I. sur les travaux de sa 43^e session, 29 avril-19 juillet 1991, Assemblée Générale, Supplém. N° 10 (A/46/10) New-York 1991, pp. 167 et suiv.

عرفی کاملاً مقبول و جاافتاده است^{۶۴}، بهره‌برداری یک دولت از آبراه نباید به زبانی بیش از اندازه برای دولت دیگر بینجامد^{۶۵}. میزان و اهمیت زیانهای وارده، معیار اصلی برای تشخیص منصفانه بودن استفاده از آبراه است.

۱. اصل استفاده منصفانه از آبراه

چنین به نظر می‌رسد که نخستین بار دیوان داوری فرانسه و اسپانیا در رأی سال ۱۹۵۷ راجع به قضیه دریاچه لانو (Lanoux) به این قاعده استناد جست. در واقع، این رأی از مرحله رسیدگی به آن اختلاف فراتر رفت و به تبیین نظریه‌ای عام در مورد حقوق و تعهدات دولتها در بهره‌گیری و مدیریت آبراهها پرداخت^{۶۶}. کمیسیون حقوق بین‌الملل از سال ۱۹۸۴ به تدوین همین اصل همت گماشته است. اصل استفاده منصفانه از آبراه مبتنی است بر توازن بین حقوق حاکمه دولت بر آبهای سرزمین خود و منافع کشور پایین دست در بهره‌گیری از این آبهها.

الف. حق حاکمیت دولت بر منابع آب خود:

حاکمیت سرزمینی دولتها بر آبراههایی که از خاک آنها گذر می‌کند تسری دارد و به همین عنوان دولتها بر منابع آب آبراهها اعمال حاکمیت می‌کنند. در عین حال، در این زمینه نمی‌توان اعمال آزادانه و نامحدود حاکمیت را هم پذیرفت*، زیرا قبول نظری چنین افراطی مستلزم آن است که برای کشور

(64) Julio A. BARRERIS - Bilan de recherches de la section de langue française du Centre d'Etude et de Recherche de l'Académie, et Robert D. HAYTON - The Present State of Research Carried out by the English-speaking Section of the Centre for Studies and Research - sur les droits et obligations des pays riverains des fleuves internationaux, 1990, Académie de droit international de La Haye, Martinus Nijhoff Publishers, 1991, pp. 38 et 67.

(65) P. BUIRETTE - Genèse d'un droit fluvial international général - R.G.D.I.P., Tome 95/1991, p. 40.

(66) Ch. ROUSSEAU - Cours de Droit International Public -, Diplôme d'Etudes Supérieures, Les Cours de droit, Paris, 1966-67, p. 239.

* ژول بادوان، حقوقدان بزرگ، نزدیک به شصت سال پیش از این، «صرف‌نظر از آینده و استثنائاتی اندک...» مسؤلیت بین‌المللی را «بنابر عقیده غالب حقوقدانان» فقط ناشی از تخلف یا نقض قاعده‌ای از حقوق بین‌الملل می‌دانست.

← Cf J. Basdevant: «Règles générales du droit de la paix», R. C. A. D. I., 1936, vol. 58.

بالادست حقی انحصاری در بهره‌برداری از آبراه در حال گذر از سرزمین آن شناسیم و شناسایی چنین حقی به زیان دولت پایین دست تمام خواهد شد. ایالات متحده آمریکا در اختلاف با مکزیک بر سر تقسیم آب ریوگراندر سال ۱۸۹۵ به دفاع از همین نظر برخاسته بود. البته در ۱۹۰۶ هنگام انعقاد معاهده‌ای با مکزیک، هواداران آمریکایی این نظریه موسوم به دکترین هارمون (Harmon)، از عقیده خویش دست کشیدند و از اصل محدودیت حاکمیت بر آبهای روان سرزمین خود تبعیت کردند. اما چنین به نظر می‌رسد که جایگاه اصلی برای توجیه و تشریح محدودیت حاکمیت را باید در حقوق همجواری بین‌المللی* و با توجه به ویژگی این منبع حیات آفرین باز جست ۶۷. در واقع، آب را باید جدا از دیگر منابع طبیعی واقع در سرزمین یک دولت دانست؛ گویی حرکت آب نیز خود‌گریزی از حاکمیت مطلق دولتهاست.

البته اهمیت فزاینده آب، بخصوص در مناطق خشک و بیابانی، سبب شده است تا از دیدگاه دیگری نیز به آن نگریسته شود. از این نظرگاه، آب نیز همچون دیگر منابع طبیعی فرض می‌شود تا بتوان آن را در شمول اصل حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی درآورد^{۶۸}، ولیکن مبنای محدود بودن حاکمیت دولت بالادست بر منابع آب، هرچه باشد، به هیچ روی بدین معنا نیست که حق ارتفاق

p. 673.

در آن زمان قاعداً استفاده از سرزمین خودی، سبب‌ساز مسؤلیتی برای دولتها نبود، ولی مشروعیت استفاده از سرزمین ملی کم‌کم به سوی محدودیت هرچه بیشتر پیش رفت. در حال حاضر حق حاکمیت دولتها در فعالیت در قلمرو خود، منوط به خسارت ندیدن دیگر دولتها از آن فعالیت است. ایجاد سدهایی بزرگ یا برگرداندن مسیر رودها از مواردی است که خطری قابل ملاحظه (Risque appréciable) در فراسوی مرزهای یک دولت به بار می‌آورند و هرچند که نمی‌توان این اقدامات را بالذات غیرقانونی دانست، ولی تضاد آن با حقوق و منافع دولتهای منتفع از جریان آب، آشکار است. کمیسیون حقوق بین‌الملل در تدوین طرحی تحت عنوان «مسؤولیت بین‌المللی ناشی از آثار زیانبار اعمالی که حقوق بین‌الملل آن را منع نکرده است» نظر به مسؤلیت دولتها در جبران خسارت حاصل از انجام چنین فعالیتهایی دارد.

* Le droit de voisinage international

(67) I. Por « Voisinage et bon voisinage en droit international », Pédone, 1980, pp. 66 et suiv.

(۶۸) نماینده ترکیه در کمیته ششم مجمع عمومی ملل متحد اظهار داشت که پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل «با واقعیات همخوانی ندارد و مغایر با حقوق حاکمه دولتها بر منابع طبیعی آنهاست».

دولت پایین دست، حقی است برای جریان بی وقفه آب^{۶۹}. این مسأله در مورد آبراههای مجاور به شکلی متفاوت مطرح می شود. اینها جزء منافع مشترک طرفین به حساب می آید و نشان دهنده تقسیم یک منبع طبیعی بین کشورهای کناره آن است. در مورد آبراههای متوالی چنین می نماید که اصل استفاده منصفانه، همانا حدّ وسطی است بین حاکمیت نامحدود کشور بالادست بر آبهای خود و حقّ کشور پایین دست بر دریافت همه آبّی که به طور طبیعی جریان دارد.

ب. منافع کشور پایین دست در منابع آبراههای متوالی:

مدیریت و بهره برداری از آبراهها، یکی از مظاهر حقّ حاکمیت دولتها بر منابع آب آنهاست*. به طور کلی، این قاعده ای مقبول است که دولت کناره حق دارد برای بهره برداری بهتر از آب آن بخش از آبراه که از سرزمینش می گذرد اقدامات لازم را انجام دهد، بی آنکه قبلاً از کشور پایین دست اجازه بخواهد. این موضوع در اختلاف فرانسه و اسپانیا در قضیه دریاچه لانو مطرح شد. این دریاچه در دامنه های مدیترانه ای پیرنه و در خاک فرانسه واقع شده است، ولی آب آن از طریق رودخانه کارول به سوی اسپانیا روان می گردد. فرانسه می خواست بخشی از آب دریاچه را به سمت درّه آتلانتیک منحرف سازد و از آن برای تولید برق استفاده کند. اسپانیا که گمان می برد کاهش آبدهی رودخانه کارول برای آبیاری اراضی آن کشور مشکل می آفریند، مدّعی شد که فرانسه قبل از شروع عملیات می بایست از دولت اسپانیا اجازه می گرفت. دیوان داوری این ادّعای اسپانیا را رد کرد. از نظر دیوان، تسلیم به این ادّعا و اعتقاد به کسب توافق آن دولت به منزله شناسایی «حقّ و تویی بی قید و شرط» برای اسپانیا و مترادف روی گرداندن فرانسه از حاکمیت سرزمینی خویش بود، بلکه تنها وظیفه فرانسه

(69) I. Pop, *op. cit.*, p. 56, note 38.

* در برخی کشورها صنایع مربوط به بهره برداری از رودها، بنابر اهمیت موضوع، جزء بخش دولتی نظام اقتصادی آنها قرار گرفته است. از جمله جمهوری اسلامی ایران که مطابق اصل چهل و چهارم قانون اساسی، سدها و شبکه های بزرگ آبرسانی را در حاکمیت عمومی و در اختیار دولت قرار داده است. بر اساس اصل چهل و پنجم، رودخانه ها «در اختیار حکومت اسلامی است تا طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید».

در این خصوص آگاه کردن همسایه خود از برنامه‌های مورد نظرش بوده است. در مقابل، طبق رأی دیوان، اسپانیا می‌توانست با همیاری فرانسه به ارزیابی منافع خود پردازد و در اجرای طرح، نظراتی دهد و از آن به سود خود استفاده کند. وانگهی، برای آنکه اسپانیا به ستیزه برنخیزد فرانسه متعهد بوده است، قبل از رجوع به داوری، برابر نیازهای همسایه خود به آب برای کشاورزی، محدودیتها را برطرف و جریان آب را تعدیل کند، زیرا بدین ترتیب در فصل آبیاری همه آب در رود کارول روان خواهد گشت. فرانسه در همان حال پیشنهاد کرده بود که برای ذخیره‌سازی آب مورد نیاز اسپانیا سدّی بنا کند تا هنگام خشکسالی بکار آید.^{۷۰}

از این رو، تردیدی نیست که مقتضیات همجواری، آزادی عمل دولتها را محدود می‌کند؛ آزادی که دولتها برای بهره‌برداری از سرزمین خود عموماً دارا هستند. لذا هر دولت می‌تواند تأسیساتی را روی آبراه بنا کند، مشروط بر اینکه منافع مشروع کشور پایین دست را از نظر دور ندارد.^{۷۱}

در نهایت، دیوان چنین نظر داد که فرانسه در این قضیه در تعهد دوگانه خود نسبت به آگاه ساختن دولت هم‌کرانه خویش و در نظر داشتن منافع آن در بهره‌برداری از دریاچه لانوکوتاهی نکرده است. به دیگر سخن، چون اسپانیا نتوانسته است ورود ضرر و زیان قابل ملاحظه‌ای را بر اثر اقدامات فرانسه به منافع خود ثابت کند، نمی‌تواند مدعی تداوم جریان طبیعی آب دریاچه به سوی سرزمین خویش باشد.^{۷۱} بنابراین، استفاده از یک آبراه تا زمانی که موجب زیان قابل ملاحظه به دیگر کشورهای هم‌کرانه با آن نشود، معقول و منصفانه است.

(70) M. BELANGER « L'utilisation des eaux des fleuves internationaux à des fins agricoles », R.G.D.I.P. Tome 77/1977, p. 418.

* در این قضیه، داور حقوق دو دولت را چنین در مقابل هم قرار داده است: «فرانسه می‌تواند حق خود را اعمال کند ولی نمی‌تواند منافع اسپانیا را نادیده بگیرد... اسپانیا می‌تواند رعایت حقوق و ملاحظه منافع خود را طلب کند.»

Cf. C. Gaubet: «Le Droit International en quête d'une Responsabilité pour les dommages résultant d'activités qu'il n'interdit pas», A. F. D. I., 1983, p. 103.

(71) A. GERVAIS - L'Affaire du lac Lanoux -, A.F.D.I. vol VI, 1960, pp. 429 et suiv.

۲. تعهد به جلوگیری از ورود زیان قابل ملاحظه به کشور پایین دست

به طور کلی، دولت‌ها باید به گونه‌ای در محدوده صلاحیت خود فعالیت کنند که آسیبی به سرزمین دیگر دولت‌ها نزنند*.

انستیتوی حقوق بین‌الملل در اجلاس مادرید به سال ۱۹۱۱، محدودیتهایی چند برای حاکمیت دولت بالادست قائل شده که از آن جمله ممنوعیت بستن آب است، به گونه‌ای که هنگام ورود به سرزمین دولت پایین دست، آب به حدی پایین رفته باشد که خاصیت یک آبراه و قابلیت استفاده را از دست داده باشد.^{۷۲} از نظر حقوقی زیان نیز باید به درجه‌ای از اهمیت باشد که مخلّ منافع دولتهای دیگر به حساب آید. از این رو، دولت پایین دست باید از آثار سوء جزئی فعالیت‌های همسایه خود چشم‌پوشد، زیرا اینها مشکلاتی است که خواه‌ناخواه با همجواری پدید می‌آید. به همین دلیل، طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل فقط شامل «زیانهای قابل ملاحظه» است (ماده ۷). اما انتخاب معیارهایی واقعی و مطلوب برای تشخیص این میزان چندان ساده نیست. تعیین حدی که از آن به بعد دیگر نمی‌توان ضرر را نادیده انگاشت، قدری دشوار است. با توجه به گوناگونی موارد و نبودن اصول کلی راهگشا در این خصوص، هر یک از موارد آزمون خاصی را می‌طلبند که همه خصوصیات آن را باید از نظر گذرانند. برای موارد اختلافی که منظور ماست باید دو مورد را از هم جدا کرد: موردی که کاهش آب قابل استفاده در پایین دست بر اثر انحراف

* این قاعده، از دیرباز مورد احترام نظامهای بزرگ حقوقی بوده است و هم‌اکنون نیز در جامعه بین‌المللی مورد استناد قرار می‌گیرد. قواعد فقهی در این زمینه و قاعده حقوقی لاتین «Sic utere tuo ut alienum non leadas» مبتنی بر این اصل در حقوق داخلی یا بین‌المللی است که «از ملک خود چنان استفاده کن که به ملک دیگری صدمه نخورد».

(۷۲) در همین معنا رجوع کنید به ماده ۴ قطعنامه مصوب انستیتو حقوق بین‌الملل در اجلاس سائزبورگ در ۱۹۶۱: «یک دولت نمی‌تواند به فعالیت‌ها یا استفاده‌هایی از آبراه دست یازد که به امکان استفاده دیگر دولتها از همان آبراه به طور جدی آسیب می‌رساند. مگر آنکه برخورداری این دولتها از امتیازات حقد آن را تضمین کند... همچنین عرامتی کافی برای ضرر و زیانهای وارد بپردازد».

جریان آب است، و موردی که سطح آبراه به سبب بهره‌برداری بیش از اندازه کشور بالادست پایین می‌آید.

الف. غیرقانونی بودن تغییر مسیر آبراه:

به‌طور کلی، تغییر دادن مسیر، علاوه بر منتهی شدن به مصرف همه آب و تهی گشتن یا نیمه‌خشک شدن آبراه، امکان تغییر بستر آبراه در خطوط مرزی را هم بوجود می‌آورد. انستیتوی حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۱۱ تغییر دادن بستر آبراه را عملی زیان‌آور قلمداد کرده است. سوازر هال (Suaser-Hall) نیز در درس خود در آکادمی لاهه به سال ۱۹۵۳ بر همین نظر است. به اعتقاد او ایجاد تغییر در محل جریان آب کشور پایین‌دست یا منحرف کردن آبراه به گونه‌ای که حوضه آبریز آن تغییر کند، عملی خلاف روابط دوستانه و حسن همجواری دولتهاست.^{۷۳} همچنین تأثیر چنین تغییراتی بر محیط زیست را نمی‌توان نادیده گرفت و چنانچه این‌گونه اقدامات تعادل طبیعت و محیط را برهم زند، مشمول حکم اصل بیست و یکم اعلامیه اجلاس ملل متحد برای محیط زیست خواهد بود. مطابق این اصل که آن را بیان قاعده‌ای عرفی در این باره می‌دانند^{۷۴}، «دولتها در بهره‌برداری از منابع خویش و مطابق با سیاستهای خود حق حاکمیت دارند، اما مکلفند در محدوده صلاحیت یا مناطق تحت نظارت خود به گونه‌ای فعالیت کنند که سبب زیان و خسارت به محیط زیست دولتها نشود». به یقین، «امروز همه در این نکته هم‌سخن‌اند که حقوق حاکمیت سرزمینی به یک دولت حق نمی‌دهد اقدام به منحرف ساختن جریانی کند که به دیگر دولتهای کناره آن آسیب وارد می‌آورد»^{۷۵}.

از این رو، می‌توان این ممنوعیت را شامل تلمبه‌زنی اسرائیل از دریاچه طبریه دانست. البته اسرائیل مدعی است که تلمبه‌زنی غیر از انحراف جریان است. واقعیت نیز همین است، زیرا مسیر رود اردن تغییری نکرده است. ولی

(73) G. SAUSER-HALL « L'utlisation industrielle des fleuves internationaux », *Recueil des Cours de l'Académie de droit international*, 1953, II, p. 539.

(74) A. KISS - *Droit international de l'environnement*, Pédone, 1989, p. 34.

(75) Cl. A. COLLIARD, *op. cit.*, p. 380.

منشأ اصلی کاهش آبدهی رود اردن در محلّ خروج از دریاچه، چیزی جز عملیات اسرائیل نیست.

شورای امنیت در قطعنامه ۴۴۶ در ۲۲ مارس ۱۹۷۹، هیأتی را مأمور بررسی «وضعیت گروههای ساکن سرزمینهای اشغالی» کرد. این شورا در قطعنامه ۴۶۵ خود به تاریخ اول مارس ۱۹۸۰ از این هیأت خواست که به «تحقیق راجع به تقلیل منابع طبیعی بخصوص منابع آب بپردازد». در آن زمان این هیأت چنین گزارش داد که «در سرزمینهای اشغال شده اعراب کمبود آب محسوس است»^{۷۶}. گزارشهای سازمان ملل هم مؤید ادامه این وضعیت تاکنون است و در عمل، بخش قابل ملاحظه‌ای از نیاز اسرائیل از طریق همین عملیات و برگردان مسیر رود اردن تأمین می‌شود. این مقدار حدود ۴۰۰ میلیون مترمکعب در سال است. بردن چنان حجم عظیمی از آبهای این رود، سبب شده است تا املاح باقیمانده آنها افزایش پیدا کند و در نتیجه مصارف خانگی یا آبیاری مزارع با آن با دشواریهای روبرو شود.^{۷۷}

صرف نظر از موضوع تنظیم آبدهی، مک کافری (Mc Caffrey)، مخبر ویژه پیشین کمیسیون حقوق بین‌الملل در مسأله «حقوق استفاده‌های غیرکشتریانی از آبراههای بین‌المللی»، بر این نظر راسخ بوده است که برای تأمین استفاده‌های گوناگون از آبراهها تضمین و اطمینان از حداقل آبدهی آبراه ضرورتی تام دارد.^{۷۸}

شایان ذکر است مطابق اصل استفاده منصفانه، که اسرائیل با استناد به آن بخش عظیمی از آبهای یرموک را نیز طلب می‌کند^{۷۹}، توزیع آب رود اردن باید به گونه‌ای باشد که هر طرف بتواند حداکثر نیازهای خود را برآورده کند. اما چنین به نظر می‌رسد که از رود اردن بدین‌گونه استفاده نمی‌شود. در حالی‌که

(76) Doc S/14268, 25 novembre 1980, Conseil de Sécurité, Doc. off. 35 année, Supplément d'octobre, novembre, décembre 1980, pp. 57 et suiv.

(77) - *Souveraineté permanente sur les ressources nationales dans les territoires palestiniens et autres territoires arabes occupés*, Rapport du Secrétaire Général A/39/326, 29 juin 1984, pp. 11 et 15.

(78) 5^e Rapport, Doc. A/CN.4/421/Add 2, p. 9. On a parlé à cet égard de « minimum flow Doctrine ».

(79) Cf. *supra*, note 38.

مقامات اسرائیلی بر همه منابع آب کرانه باختری رود اردن «چنگ انداخته‌اند» و سهم اسرائیل و کسانی که به مناطق اشغالی کوچ کرده‌اند ۵۶۰ میلیون متر مکعب است، سهم فلسطینی‌ها از ۱۲۰ میلیون فراتر نمی‌رود.^{۸۰*}

ب. استفاده بیش از حد کشور بالادست از آبراه:

دولت سوریه، و اخیراً دولت عراق، ترکیه را متهم کرده‌اند که از آب فرات بیش از اندازه و مغایر با منافع مشروع آن دو استفاده می‌کند. هرچند زمان ارزیابی همه عواقب خسارت‌بار اجرای طرح «گاپ» فرا نرسیده است ولی نتایج و ابعاد این برنامه جای آن را دارد که عراق و سوریه نگران کاهش آبدهی فرات در پایین دست باشند و بتوانند ذخیره‌ای منظم را از ترکیه طلب کنند. ترکیه در پیمان صلح لوزان مورخ ژوئیه ۱۹۲۳ منعقد شده است حقوق مکتسب پیش از فروپاشی امپراتوری عثمانی را محترم بدارد. طبق ماده ۱۰۹ این معاهده «هرگاه بر اثر تعیین مرز جدید، نظم و جریان آبها در یک کشور به فعالیت‌های دولت دیگر وابسته شود یا اگر برحسب سابقه استفاده قبل از جنگ، از آبهایی که در سرزمین یک دولت جمع و روان می‌شوند، دولت دیگر بهره گیرد و یا نیروی آبی تولید کند، باید بین دولتهای ذی نفع به گونه‌ای سازش و تفاهم برقرار شود که

(80) Evolution récente de la situation économique dans les territoires palestiniens occupés - Rapport du Secrétaire Général de la CNUCED, TD/B/C.2/1, 18 juillet 1989, p. 17.

* با امضای موافقتنامه فلسطینی‌ها با اسرائیل در اردیبهشت ۱۳۷۲ موسوم به توافق غزه - اریحا، و همان‌گونه که از مقدمه آن برمی‌آید، گویا در زمان بابان دامن بد چند دهه کشمکش فرا رسیده و دوران شناسایی متقابل حقوق قانونی و سیاسی و تحقق صلح فراگیر و مصالحه تاریخی از راه فرایند سیاسی آغاز شده است و کرانه باختری رود اردن و نوار غزه در طول مدت انتقالی بد حاکمیت فلسطینیان در خواهد آمد. بنا به وعده‌های داده شده، در این مدت فلسطینی‌ها برای گسترش و توسعه اقتصادی، اداری چون اداره برق، اداره اراضی، بانک توسعه و از جمله سازمان آب تأسیس خواهند کرد. از این رو، می‌توان انتظار داشت یکی از مسائل مهمه مورد مذاکره و توافقات جزئی آینده، در مورد منابع آب کرانه باختری رود اردن باشد که هم اسرائیل و هم فلسطینیان محنت کشیده برای بقای خود به آن نیاز فراوان دارند. مطابق بند ۱ پیوست شماره ۳ توافقنامه موسوم به غزه - اریحا، برنامه همکاری در اداره منابع آب در کرانه باختری و نوار غزه و استفاده عادلانه هر دو طرف از منابع آبی مشترک در مرحله انتقالی و بعد از آن پیش‌بینی شده است (برای مطالعه متن کامل پیش‌نویس توافق ساف و اسرائیل رک. فصلنامه خاورمیانه، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، س اول، ش ۱، تابستان ۱۳۷۳، صص ۱۲۹ به بعد).

منافع و حقوق مکتسب هر یک محفوظ و در امان بماند، مگر آنکه به شکل دیگری توافق شود»^{۸۱}. از این رو، سوریه و عراق که با اضمحلال قدرت عثمانی سر برآورده‌اند حق دارند با استناد به این مقرره، رعایت حقوق مکتسب خود بر آبهای فرات را مطالبه کنند. پروتکل سال ۱۹۸۷ نیز که طی آن ترکیه تأمین حداقل آبدهی را برای سوریه در هنگام آبیگری سد آتاترک تعهد کرده است، مؤید همین معناست. اما از آنجا که این پروتکل ترتیبی موقتی است، طرفین ملتزم شده‌اند در کوتاه‌ترین زمان ممکن، با همکاری عراق به توافقی برای تقسیم آب فرات دست یابند، ولی تاکنون مذاکراتی در این خصوص انجام نشده است. بعلاوه، موضع ترکیه و تلقی سنتی این دولت در استفاده دلخواه از آبهای تحت حاکمیت خود، راه رسیدن به چنین توافقی را ناهموار می‌سازد^{۸۲}. به همین دلیل بود که این دولت پیش از آغاز عملیات بزرگ خود در قسمت علیای فرات، از انجام وظیفه‌ای که بخشی از حقوق بین‌الملل عام است خودداری کرد و از اطلاع موضوع و مشورت* با دولتهای قسمت سفلائی رود یعنی سوریه و عراق

* 81) *Recueil des Traités de la Société des Nations*, vol. XXVIII, p. 94

(۸۲) سنیمان دمیول نخست‌وزیر [وقت] ترکیه به مناسبت افتتاح رسمی سد آتاترک، در گفتگوی مطبوعاتی در ۲۴ ژوئیه ۱۹۹۲ اعلام کرد: «درد و فرات و شاخه‌های آن، آبهایی هستند که از کشور جاری می‌شوند و به ترکیه تعلق دارند ترکیه هم هر طور که مایل باشد از آبهایش استفاده می‌کند».

* مطابق اصل ۱۹ اعلامیه کنفرانس بین‌المللی محیط زیست که در بهار ۱۳۷۱ (۱۹۹۲) در ریو دو ژانیرو برگزار شد، «دولتها باید امکان به خطر افتادن دولتهای دیگر را قبلاً و بموقع اطلاع دهند. همچنین باید اطلاعات تخصصی در مورد فعالیت‌هایی را که احتمالاً دارای آثار سوء و جدی هستند و از محدوده مرزها فراتر می‌روند، در اختیار دیگر دولتها بگذارند و با آنها در اسرع وقت و با اعتماد کامل مشورت کنند». کمیسیون حقوق بین‌الملل که سرگرم تهیه طرحی راجع به «مسئولیت بین‌المللی» از اعمالی است که حقوق بین‌الملل آن را منع نکرده باشد، ضمن تصریح به این نکته که دولتها آزادی عمل بی‌قید و شرط در استفاده از سرزمین یا نقاط تحت صلاحیت و نظارت خود ندارند، آنان را متعهد به همکاری و اطلاع دادن موضوع فعالیت خود به دولتهای متضرر احتمالی دانسته است. در این جهت حتی حقی نیز برای چنین دولتی در نظر گرفته شده است که به ابتکار خود با دولتی که فعالیت آن به ضررش خواهد انجامید، وارد مذاکره و ارزیابی موضوع شود و بدین طریق از منافع خود دفاع کند.

Cf. Report of the international law commission on the work of its forty-fifth session, General Assembly (1993), n° 10 (A/48/10), p. 71

سالها پیش از این، برخی از حقوقدانان برای پیشگیری و پرهیز از خطرات و تأثیرات پیش‌بینی نشده از برخی فعالیت‌های انسانی، همه دولتها را متعهد دانستند که پیش از آغاز آن فعالیت به همکاری و ارزیابی و بررسی موضوع با دیگران بپردازند.

● نتیجه

در خاورمیانه کمبود آب چنان است که تصوّر آزادی کامل دولت بالادست در بهره‌گیری از منابع آب آبراهها محال می‌نماید. از آن گذشته، معاهدات دوجانبه در این باب حکایت از حقوق بین‌الملل منطقه‌ای دارد که حقوق حاکمه دولت بالادست را محدود و جریان منظم آب را به نفع کشور پایین‌دست و رفع نیازهای آن پیش‌بینی می‌کند. با این همه، باید دانست برای مشارکتی معقول و منصفانه از منابع آب، همکاری دولتهای کناره آبراه جز در اوضاعی آرام و بدون تنش میسر نمی‌گردد و این همان چیزی است که نبودش در خاورمیانه از آفتاب روشن‌تر است.^{۸۴}



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Cf. C. W. Jenks: «Liability for ultra-hazardous activities in international law», →
R.C.A.D.I., 1966, vol. 117, p. 194.

(83) P.M. Dupuy - La gestion concertée des ressources naturelles partagées : à propos du différend entre l'Argentine et le Brésil relatif au barrage d'Itaipu -, *A.F.D.I.* vol. XXIV, 1978, pp. 881 et suiv. et Julio A. BARBERIS, *op. cit.*, pp. 49 et suiv. Cf. aussi la troisième partie du projet d'articles de la C.D.I. intitulée «mesures projetées» - Art. 11 et 12.

* در خاورمیانه که آب، دست‌کم به اندازه مایع مهمی چون نفت، اهمیت پیدا کرده ظاهراً یافتن راه‌حلهای مشترک برای تقسیم عادلانه آب مورد توجه قرار گرفته است. تن دادن اردن به صلحی جدا از سایر اعراب با اسرائیل و نزدیکتر شدن دولتهای عرب و اسرائیل و کاهش نقش ترکیه در تأثیر بر امور سیاسی منطقه، نشان از آن دارد که روند استفاده مشترک از منابع آب منطقه سمت مشخص‌تری خواهد گرفت.